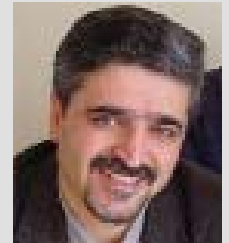


ویژه نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب حکمتیست

متن سخنرانی افتتاحیه نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب حکمتیست!
حسین مراد بیگی (حمه سور)
دبیر کمیته کردستان حزب



کردستان را به تخته پرش قدرت گیری کمونیسم و مردم تبدیل میکنیم!
سخنرانی در نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب - حکمتیست
رحمان حسین زاده ، معاون لیدر حزب



حزب تصمیم میگیریم. اجازه بدهید بدون مقدمه وارد اوضاع سیاسی ایران شوم و بطور مختصر به نکاتی از آن اشاره کنم. مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند، از اسلام و جمهوری اسلامی بیزارند، حکم رفتن جمهوری اسلامی را داده اند و برای رفتن جمهوری اسلامی اگر دقیقه شماری نکنند، ←

متن سخنرانی افتتاحیه عزیزان حضورتان را در نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب حکمتیست خوش آمد میگویم. اکنون حدود یکسال و چند روزی از نشست اول شورای کادرهای حزب میگذرد. خوشحالم که یک بار دیگر دور هم جمع میشویم و در مورد سیاست و لویتهای تشکیلات کردستان

میتواند حکمیت اسلامی را نجات دهد. اما نفس مضحکه انتخاباتشان نشان داد از پس مردم آگاه و آزادیخواه برنمیایند. راه به جایی نمی برند. تا همین جا هم روشن است همه مشکلات رژیم نه تنها به جای خود باقی بلکه ابعاد بیشتری هم پیدا کرده است. کماکان مردم

گذشت برای جمهوری اسلامی ، برای ما و مردم و قطب چپ و برای قطب راست و ارتجاع هم ویژگیهایی داشت. جمهوری اسلامی رسماً و عملاً دوم خرداد را کنار گذاشت. در مقابلش جناح پیروز با مستضعف پناهی و دمیدن در اسلامگری غلیظ و با قصد تهدید و سرکوب فکر میکند،

به دوستان و حضار در این نشست خوشامد میگویم.

سال دیگری از تلاش و مبارزه ما و مردم علیه جمهوری اسلامی ، علیه ارتجاع مذهبی و علیه خرافه و سیاهی سپری شد. سالی که

صفحه ۴

بخشی از متن سخنرانی عبدالله دارابی فرمانده گارد آزادی، در نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست



همسن و سلهای من و تعدادی از حاضرین در این نشست، بیاد دارند که پروسه سرنگونی رژیم سلطنت چگونه گذشت؟ رژیمی که سالها با تبعیض و نابرابری و سرکوب و استبدادش و... را

گرمم تا با فاکت های مستند و زنده تر ضرورت تشکیل گارد آزادی را تصویر کنم و نشان دهم که حکمت این عرصه از کار در شرایط حاضرهم برای حزب حکمتیست و هم برای جامعه آزادیخواه و برابری طلب امروز چیست و چه خاصیتی دارد.

ضمن خوش آمد به همه دوستان عزیز، تلاش میکنم در این فرصت کوتاهی که دارم راجع به ضرورت سیاسی- اجتماعی تشکیل گارد آزادی در ایران و بویژه در کردستان، توضیحات کوتاهی بدهم. دوستان عزیز! برای توضیح بحثم ناچارم یک خورده به عقب بر

صفحه ۷

در رابطه با مباحث نشست دوم شورای کادرهای کمیته کردستان حزب حکمتیست

واقعی خود را از مباحث این نشست بیان کنم، از جایگاه خود به عنوان یکی از کادرهای شرکت کننده و همچنین از موقعیت خود در رهبری حزب حکمتیست فاصله میگیرم

من خود را به جای میلیونها تن این کره خاکی میگذارم که به عنوان ناظر بیگانه دارند صفحه تلویزیونهایشان را نگاه میکنند. دارم می بینم که آتم جنایتکار حامل بمب



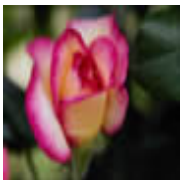
ایرج فرزاد
iraj.farzad@gmail.com

صفحه ۶

به منظور اینکه بتوانم احساس

در صفحات دیگر:

مطالبی از : سعید یگانه، سوسن هجرت، فرهاد رضایی، پروین معادی، گلاویژ مصطفی پور، عباس رضایی و عبدالله شریفی
پیام نشست شورای کادرها تشکیلات کردستان حزب ، اطلاعیه پایانی
پیام کمیته کردستان حزب به رفقا عدرا آدمی(آباجی) و خانم صفری (سیدزاده)



اکتبر فرا رسیدن سال ۲۰۰۶ را به شما تبریک میگویم، ما برای شما سالی پراز موفقیت و شادی آرزو میکنیم!

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید !
به گارد آزادی به پیوندید !



آزادی، برابری، حکومت کارگری!



روز شماری میکنند. باوجود این جمهوری اسلامی هنوز نرفته است. مردم این سوال را از خود میکنند که چرا جمهوری اسلامی هنوز نرفته است؟ جمهوری اسلامی بعد از سرکوب انقلاب و خون پاشیدن به انقلاب 57 و قضایی کردن رهبران و فعالین کارگری و کمونیست و چپ، عمر مفید خود را برای بورژوازی تمام کرده بود و حتی از نظر مقتضیات تولید و بازتولید سرمایه در ایران نیز روی دست بستر اصلی بورژوازی نیز مانده بود و می بایستی میرفت. اما جمهوری اسلامی اشغال سفارت آمریکا را داشت، جنگ ایران و عراق را داشت و دوم خرداد و خاتمی را داشت. دوم خرداد که برای نجات جمهوری اسلامی با وعده ایجاد تعدیلاتی در جمهوری اسلامی به میدان آمده بود، شکست خورد، طوری که اکنون حکم یک فسیل را پیدا کرده است. دوم خرداد شکست خورد اما بکمک میدیای دول غرب و خیل اپوزیسیون پرو رژیم در داخل و خارج ایران 8 سال تمام برای جمهوری اسلامی وقت خرید. ما همان وقت این را با مردم سرنگونی طلب در میان گذاشتیم و گفتیم که پروژه دوم خرداد برای چپست و مردم سرنگونی طلب در آن ضرر کردند. بازگشت به پروژه احمدی نژاد و اسلام فاشیستی خمینی که دوم خرداد برای نجات آن به میدان آمده بود، پناه بردن به گروههای استشهادی، نشانه منزوی شدن این بخش حتی در داخل خود جمهوری اسلامی است. این پروژه آخرین خندق جمهوری اسلامی است به همین دلیل بیش از هر زمان دیگر مقاومت بیشتری و چنگ و دندان بیشتری از خود نشان میدهد. دو فاکتور دیگر در اوضاع سیاسی و سرنوشت و آینده سیاسی ایران نقش مهمی بازی میکنند، یکی اوضاع سیاسی ایران بعد از رفتن دوم خرداد، دیگری دلیل شدن توهم طبقه کارگر و بورژوا در مقابل هم است. با رفتن دوم خرداد، جنبش سرنگونی طلبی بدنبال رهبری است. این رهبری را یا راست و یا چپ جامعه تامین خواهند کرد. واضح است همه تلاش ما برای این است که رهبری چپ را بر آن تامین کنیم. در این دوره همچنین هم طبقه کارگر و هم طبقه بورژوا در ایران بالغ شده اند. هر دو لقلایی را پشت سر گذاشته اند، هر دو همدیگر را امتحان کرده

اند و توهمی نسبت به هم ندارند. هر دو برای اهداف و برنامه خود فعالیت میکنند. انعکاس این واقعیت را میتوان در میان نیروهای سیاسی متعلق به این دو طبقه را نیز بوضوح دید. هم ما میدانیم که اپوزیسیون راست چه میخواهد و چکار میکند هم آنها میدانند که ما چه میخواهیم و چه کار می کنیم. از دیگر مواردی که باید به آن اشاره کنم، یکی بحران اقتصادی جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی قادر به حل بحران اقتصادی خود نیست. به این دلیل ساده که نمی تواند امنیت سرمایه گذاری در ایران را تامین و تضمین کند. کسی که بخواهد سرمایه خود را در ابعاد بالا به کار بیندازد، می رود آن را جایی به کار میاندازد که هم دستمزد کارگر پایین است و هم امنیت سرمایه اش کاملاً تضمین است. دیوانه نیست که سرمایه اش را در ایران به کار اندارد که با "فتوای" هر حجت الاسلامی آن را مصادره کنند. میگویند سود سهام "حرام" است. فرابورس تهران سقوط میکند. یکی هفتاد و پنج کیلویی تولید میکند، میریزند دار و ندار او را شخم میزنند. بدون مقتضیات تولید و بازتولید سرمایه، سیستم بورژوازی در هم میشکند. نمی توان هم کرسنگی داد و هم سرکوب کرد، مردم زیر بار نمیروند و عصیان میکنند. ما بارها عصیان طغیان مردم علیه فقر و فلاکت سرکوب بی حد و مرز را شاهد بوده ایم. مساله دیگر پروژه احمدی نژاد است. احمدی نژاد با پوپولیسم و "مستضعف" پناهی و "مهار" فقر و فلاکت به میدان آمده است. هم اکنون عدم توانایی احمدی نژاد در مهار کردن فقر و فلاکت خود را نشان میدهد. خاتمی و دوم خرداد نتوانستند تعدیلات فرهنگی جری در جمهوری اسلامی ایجاد کنند، احمدی نژاد هم به طریق اولی نمی تواند نیازهای رفاهی جامعه و مردم را تامین کند. این یکی که حتی بسیار سخت تر است. با این حال، باز شدن این عرصه بر روی جامعه باعث میشود که توقعات مردم بالا رفته و مطالبات رفاهی به صخره جامعه رانده شود و در مردم توقع جدید ایجاد کند. اگر با زور آن را عقب برانند که چنین به نظر میرسد، چون تنها زور است که جمهوری اسلامی با آن خود را سرپا نگاه داشته اند، با طغیان و عصیان مردم رویرو خواهند شد. نکته دیگر که لازم می بینم به آن اشاره کنم، برویدادهای

16 آذر امسال در دانشگاه تهران و مشهد است که خبر از رویدن جوانه های چپ در این اوضاع در دانشگاه و در اعتراضات دانشجویی است و می رود که به سلطه تحکیم وحدتی ها و انجمنهای اسلامی در محیط دانشگاه خاتمه داده و چپ را در دانشگاه به پرچم اعتراضات دانشجویی تبدیل کند. این بطور موجز و فشرده وضعیت جمهوری اسلامی و اوضاع سیاسی در ایران است. جمهوری اسلامی به این شکل که هست باقی نمی ماند. ممکن است حتی با بالا رفتن اعتراضات توده ای که الزاماً بر سر سرنگونی جمهوری هم نباشد، و بر سر مطالبات رفاهی و سیاسی مردم باشد، از هم بپاشد. جمهوری اسلامی ممکن است با عصیان مردم و حتی با قیام مردم سرنگونی طلب در تهران و دیگر شهرها به زیر کشیده شود. جمهوری اسلامی ممکن است با یکی از این اشکال اعتراضی از هم بپاشد. اما اگر بناست با انقلاب سرنگون شود، این یکی دیگر کاملاً به پراکتیک و فعالیت آگاهانه ما بستگی دارد و گره خورده است. این یکی را باید سازمان داد و رهبری کرد. با انقلاب انقلاب نمیشود رهبر و صاحب انقلاب شد. با انقلاب سوازی و خود تهییجی و هر چه باشد شلوغ شود، نمیشود صاحب انقلاب شد. نتیجه این کار این خواهد بود که داستان مرغ عزا و عروسی در مورد چپ دوباره تکرار خواهد شد و راست جامعه دوباره چپ و کمونیسم را سرکوب شده کرده و چپ و کمونیسم برای چند دهه دیگر به حاشیه جامعه رانده خواهد شد. این وضعیت جمهوری اسلامی و اوضاع سیاسی است ما چکار میکنیم؟ اینجا دیگر پای امکانات پیش میاید. با آرزو و خیال نمیشود جلو رفت. ما چه امکاناتی داریم؟ بعنوان حزب حکمتیست ما چه خاصیت‌های داریم که دیگران ندارند؟ چه توانایی‌های داریم، چه کارهایی از ما ساخته است که از دیگران ساخته نیست. اینها مواردی هستند که من لازم می بینم یک بار دیگر بر آن تاکید کنم. در اینجا و در مورد امکانات میخوام یک بار دیگر در این دوره بر حیاتی بودن کردستان برای کمونیسم و چپ اشاره کنم. به دو دلیل: یکی اینکه به فاکتورهای اوضاع سیاسی در ایران و در منطقه حضور دولت آمریکا نیز اضافه شده است. استفاده از گروههای فرقه ای و قوم پرست و

طرح فدرالیسم قومی ظاهراً به بخشی از سیاست دولت آمریکا در منطقه تبدیل شده است و بویژه دولت آمریکا ظاهراً از طرح فدرالیسم قومی بعنوان اهرمی برای وارد آوردن فشار به جمهوری اسلامی استفاده میکند. به این دلیل حوزه های قدرت و مناطق تحت نفوذ در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی اهمیت زیادی در اعمال قدرت خواهند داشت. نمونه آن عراق است که به سه منطقه قومی و مذهبی تقسیم شده است که هر کدام منشاء قدرت عده ای از گانگسترهای اسلامی و قومی است. ثانیاً در کردستان کمونیسم دلیل سابقه و سنت بیش از دو دهه مبارزه رادیکال لئونیستی قوی و قدرتمند است و یک پای تعیین تکلیف این جامعه است. اکنون نه ما که دولت آمریکا نیز در کردستان سرمایه گذاری میکند. دولت آمریکا هم اکنون گروههای فرقه ای و قومی وابسته به خود را تقویت کرده و پول و اسلحه در اختیار آنان قرار میدهد. مجاهدین را مسلح کرده است. واحدهای آمریکائی و مجاهد با هم برای شناسائی بداخل ایران میروند. حزب کمکرات که در "حسرت" رفتن به واشنگتن بود در راه واشنگتن است و چشم امید به واشنگتن دوخته است. اپوزیسیون راست هم در کردستان سرمایه گذاری میکند. حزب کمکرات پرچم فدرالیسم قومی را بلند کرده است، میدانند که پشت آن پاکسازی قومی و عراقییزه کردن و یوگسلاویزه کردن ایران خوابیده است، با این حال این مانع آن نمیشود که به او امتیاز ندهند. شاخه های سلطنت طلب برای یاری گیری فغلی و ساخت و پاخت در آینده بر سر مساله کرد با حزب کمکرات به او امتیاز میدهند. حتی جمهوریخواهان امروز جمهوریخواه و فردا سلطنت طلب نیز به حزب کمکرات و فدرالیسم قومی او با مطرح کردن مسائلی از قبیل "حق قومی" و "ضرورت عدم تمرکز قدرت دولتی" امتیاز میدهند. چرا؟ برای اینکه در کردستان یک جنبش ملی قوی خوابیده است که در هیچ جای ایران نیست. در دیگر نقاط ایران ستم ملی هست، اما مساله ملی و در نتیجه یک جنبش ملی قوی موجود نیست. اگر ما نباشیم، کمونیسم و چپ در این جامعه قدرتمند نباشند، این جنبش به سرعت میتواند جامعه را حول فدرالیسم قومی قطبی بکند. در

مقابل این هم یک جنبش قوی کمونیستی و چپ هست که سابقه و سنت و رهبران خود را دارد و قدرت خود را در بسیج مردم و جامعه حول پرچم خود نشان داده است. اگر این کمونیسم و این چپ قدرتمند شوند میتواند نیروی توده کارگر و صف رادیکال جامعه کردستان را حول خود بسیج کرده و جامعه میتواند زیر پرچم کمونیسم و چپ رادیکالیزه شود. به معنی دیگر، تقابل کمونیسم و ناسیونالیسم در کردستان ایران میتواند کمربند فدرالیسم قومی را در ایران بشکند. اگر ما در کردستان یک نیروی قدرتمند نباشیم تمام بحثها و جللهای این منت ما در تقابل با فدرالیسم قومی یک روزه نود شده و به هوا میروند. در کردستان کمونیسم به هر دلیل در مقیاس میلیونی به بین رهبران خود توده ای شده است. رهبرانی که در ابعاد هزاران نفره توده مردم حرقشان را حرف خود و سیاستشان را سیاست خود دانسته و میدانند و برای آنان از جان خود مایه گذاشته اند. رهبرانی که مردم یک شهر 25 هزار نفره را کوچ دادند. مردم یک شهر 25 هزار نفره، زن و مرد و پیر و جوان دست بچه هایشان را گرفتند و خانه های خود را جا گذاشتند و در اعتراض به فشار و سرکوب جمهوری اسلامی به بیرون شهر کوچ کردند. فرماندهان جنگ 24 روزه سنندج، کسانی که مقاومت علیه یورش خمینی به کردستان ایران را سازمان دادند، رهبرانی که راهپیمائی 24 هزار نفره مردم سنندج به میوان را سازمان دادند. این رهبران بدون تعارف اکنون در حزب کمونیست کارگری حکمتیست هستند. این خاصیت را هیچ جریان سیاسی چپ اپوزیسیونی در ایران ندارد. در جلسه پالتاکی از عبدالله دارابی سوال کرده بودند که حزب حکمتیست چندان معرفه نیست. جواب داده بود آری، این حزب تازه تشکیل شده و ما هم این را میدانیم. اما اگر افراد کومه له و زحمتشکنان و حزب کمکرات پایشان به منطقه میروان بیفتد برای اینکه مردم از آنان پبیرائی و حمایت کنند میگویند طرفدار عداله دارابی و مجید حسینی هستند. این خاصیت و وجود رهبرانی توده ای که مردم آنها را رهبر خود میدانند در هیچ جریان سیاسی اپوزیسیون چپی نیست. رهبرانی که به محض اینکه نشتان به مردم میرسد مردم در مقیاس وسیعی ←

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است



حتی با حضور جمهوری اسلامی در بناگوش آنها به دور آنان حلقه میزنند.

چه کاری از ما ساخته است؟ که از دست کل اپوزیسیون چپ در ایران ساخته نیست. این را هم اضافه کنم که ما البته و بدون تعارف خوشحال خواهیم شد اگر هر جریانی و حتی هر کسی که خود را کمونیست و چپ میدانند نوش بپوش ما در قدرتند کردن کمونیسم و چپ در کردستان خود را شریک کند.

متأسفانه نگاهی به وضعیت جریاناتی که خود را چپ میدانند و کجا ایستاده اند، چیز جالبی در مورد این چپ به ما نمیگوید. چرا آنها ما می‌توانیم کردستان را به نقطه قدرت و دروازه قدرتیگری چپ و کمونیسم در ایران تبدیل کنیم؟ حزب دمکرات که پرچم فدالایسم قومی را برافراشته است و دارد

خواب عرافیه کردن ایران را می بیند. حتی فرضاً این ها به کنار، خصالت و ماهیت قومی و ملی و محلی او فراتر از کردستان تنها به درگیری او با مردم مناطق خارج از کردستان می کشد. کومه له

چی؟ کومه له در میان راست و چپ جامعه کردستان سالهاست معلق است. در شهرهای کردستان ایران روز 16 مرداد ماه اسما اعتصاب عمومی شد که تحت رهبری چپ و کمونیسم انجام گرفت. همه میدانند که خاکریز

کمونیسم مانع از پیوستن ناسیونالیسم کرد و احزاب و گروههای مربوطه شد. همه میدانستند که اگر حکمتیست ها نبودند، حزب دمکرات و سازمان زحمتشکان و بقیه نیز به تدریج می آمدند و صدای کومه له نیز در

شعارهای قوم پرستانه اینها محو میشد. اما این واقعیت باعث نمیشود که کومه له روز بعد از آن اعتصاب عمومی در مصاحبه با نشریه "ناسو" بزیان کردی به جای اینکه از این اعتصاب عمومی در

شهرهای کردستان برای تقویت چپ و کمونیسم در کردستان استفاده کند، آن را دست مایه ای میکند بری درست کردن جبهه و اتحاد "شیوخ خلق کرد"، کسانی که حتی از پخش اخبار این اعتصاب خودداری کردند و بر روی تراکت دعوت به اعتصاب عمومی خط قرمز کشیدند! علقه ها و "باورهای مشترک" کومه له با ناسیونالیسم کرد ظاهراً آنقدر زیاد است که هر

وقت جامعه می خواهد به چپ به چرخد، کومه له فوراً خط فاصل خود را با کمونیسم به رخ ناسیونالیستهای کرد و احزاب و گروههای مربوطه میکشد و خود را در چهارچوب آنها تعریف میکند. سرنوشت و آینده کردستان را با فدالایسم قومی و یا کمونیسم تعیین میکنند. این را هر کسی که چند روز سیاست کرده باشد می داند. خارج از این، راه وسطی نیست. نمیتوان برای ابد بین این دو صندلی نشست. انتخاب کومه له کدام یکی است؟ به انتظار نشستن که به بینند چه خواهد شد، سیاست کردن که نشد. سیاست دنباله روی از حوادث چیزی جز دنباله روی چپ از راست نبوده و نیست و جامعه تاریخاً نیز نتیجه دیگری غیر از این بدست نداده است و کومه له نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود.

در مورد ما قضیه متفاوت است. ما تنها نیرویی هستیم که توانایی، ظرفیت و خاصیت آن را داریم که کردستان را به دروازه قدرت

گیری کمونیسم در ایران تبدیل کنیم. گارد آزادی را تشکیل دادیم، نه فوراً از کردستان که از تهران و مشهد به ما زنگ زدند که این گارد آزادی چیست تا به آن به پیوندیم. کمونیسم قدرتمند در کردستان میتواند تهران را برای کمونیستها

فتح کند. من منظورم این نیست که انقلاب آینده در ایران مطابق این سناریو پیش می رود، منظورم دور و نقشی است که یک کمونیسم و چپ قدرتمند در کردستان میتواند در آینده در پیروزی کمونیسم در ایران نقش اساسی را ایفا کند. بعد

از انقلاب 57 یک سازمان چپ توسط رهبران آن در کردستان توده ای شد، موقعیتی که مدتها بود چپ از آن محروم بود به یمن این رهبران در آن جامعه ممکن شد. نشریان این سازمان را طیف چپ و رادیکال جامعه در هزاران تیراژ

دست بست میگرداند و تکثیر میگرداند. از صنعت نفت و دیگر مراکز کلیدی کار در ایران با آن تماس می گرفتند و برایش اسلحه برداشتند و علیه جمهوری اسلامی جنگیند و جان خود را از دست دادند حتی کمک مالی فرستادند. در این نوره یک کمونیسم قدرتمند در کردستان میتواند به سرعت توده کارگر و رهبران و فعالین کارگری و دیگر صف رادیکال جامعه را نور خود بسیج کند. به

این دلیل کردستان دروازه قدرت نه ما که دروازه قدرت کمونیسم و چپ در ایران است. اگر کسی اهمیت و حیاتی بودن آن را درک نکرده باشد، تنها بی ربطی خود را به چپ و کمونیسم نشان میدهد. کردستان نقطه اتکاء چپ، نقطه اتکاء کمونیسم است، و قدرت گیری کمونیسم در کردستان اغراق نیست که اگر بگوئیم به نفع بشریت است. فراخوان ما به همه کسانی است که خود را چپ و کمونیست

کرنسکی و شرکاء در مسکو قدرت بودند، بلشویکها نیز در پتروگراد. همه به قدرت دوگانه در روسیه آن زمان معترف بودند. اگر فردا در تهران قیام شود، باید پتروگراد ما شهر سئندج و مریوان باشد. ما می توانیم تضمین کنیم که اجازه نخواهیم کردستان به جلوانگاه نیروهای فرقه ای و قومی و سناریوی سیاهی تبدیل شود. ما می توانیم تضمین کنیم که کردستان را به سنگر کمونیسم و



میدانند که خود را با ما در قدرت یابی کمونیسم و چپ در کردستان شریک کنند. چرا کسانی که خود را چپ می نامند میروند برای طرح فدالایسم قومی که از آن بوی پاکسازی قومی و عرافیه کردن و یوگسلاویزه کردن ایران می آید و

میدانند که خود را با ما در قدرت یابی کمونیسم و چپ در کردستان شریک کنند. چرا کسانی که خود را چپ می نامند میروند برای طرح فدالایسم قومی که از آن بوی پاکسازی قومی و عرافیه کردن و یوگسلاویزه کردن ایران می آید و



خلاصه کنم این کارها از ما ساخته است، بدلیل اینکه امکانش را داریم، ظرفیتش را، پتانسیل و رهبری توده ای اش را داریم. در عین حال ما خوشحال خواهیم شد که هر نیرو و جریانی که خود را کمونیست میدانند، که خود را چپ و آزادیخواه و برابری طلب میدانند خود را با ما در قدرتمند کردن کمونیسم و چپ در کردستان شریک کند.

با آن دارند علیه آینده بچه ها ما توطنه میکنند، کف میزنند! ما چکار می توانیم بکنیم و چه چیزی را می توانیم تضمین کنیم؟ اگر فردا در تهران قیام شد که معلوم نیست با آن چه کسی سرکار میاید، ما باید تضمین کنیم اگر در سئندج و مریوان مردم قیام کردند ما سرکار میائیم. این را ما باید تضمین کنیم. بلشویکها در انقلاب فوری در پتروگراد قدرت شدند.

و نکته آخر اینکه محمل قدرت شدن کمونیسم، محمل قدرت شدن ما، ساختن و استحکام حزب در داخل شهرهای کردستان ایران از طریق گارد آزادی و ساختن آن در کلیه سطوح و وجوه آن در محیط زیست توده کارگر و مردم زحمتکش در شهرهای کردستان میگذرد. ما تنها نیروئی نیستیم که برای سرنگونی جمهوری اسلامی تلاش می کنیم. راست جامعه، گروههای فرقه ای و قومی و گانگسترهای نظامی و بقالیای تروریسم اسلام سیاسی در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی در از هم پاشاندن شیرازه مدنیت جامعه بر هم سبقت میگیرند. باید نیروی باشد که هم تضمین کند که جمهوری اسلامی را سرنگون میکند و هم حفظ مدنیت جامعه را

در مقابل این نیروها تضمین میکند که آزادی و امنیت و زندگی مردم را تضمین میکند. این حزب حزب حکمتیست و این نیرو نیروی گارد آزادی است. خوشحالم که این امر مهم بر نوش حزب ما و این

نشست و رهبران و کادرهای تشکیلات کردستان حزب است. اجازه بدهید که این نشست را به نام نشست گارد آزادی نام گذاری کنیم. که هر وقت از گارد آزادی صحبت کردند آن را با این نشست در فلان تاریخ و فلان محل تداعی کنند. بگذارید که تاریخ این نشست به تاریخ گارد آزادی گره بخورد.

که بگویند در آن رهبر ان و کادرهای تشکیلات کردستان حزب تصمیم گرفتند که تعهد کنند که گارد آزادی را وسیعاً تشکیل و گسترش خواهند داد و به حزب و

جامعه تعهد دادند که کردستان را به سنگر کمونیسم و انقلاب آتی در ایران تبدیل کنند. یک بار دیگر حضور همه عزیزان را بویژه مهمانان عزیز را که در این وقت از سال از وقت خود برای حضور در این جلسه مایه گذاشته اند خوشامد میگویم و

همه را به اتحاد محکمتر و هم دلی و همبستگی بیشتر برای گسترش گارد آزادی و دیگر وظایفی که در این دوره بر دوش ما است دعوت میکنم. پیروز باشیم.

17 دسامبر 2005

نه هویت قومی، نه هویت مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

سخنرانی رحمان حسین زاده از ص ۱

منتظر و معترض بزرگترین تهدید و بلای جان جمهوری اسلامی هستند.

به لحاظ مبارزات مردم هم سال گذشته، سال گسترش اعتراض آزادیخواهان و بی تحریف علیه جمهوری اسلامی بود. در موارد متعدد و افتخار آمیزی رادیکالیسم و چپ جامعه ابراز وجود کرد. 16 آذر یکسال قبل دانشجویان و چند روز قبل امسال آنها نمونه برجسته این حرکت بود. جا دارد دست دانشجویان آگاه و روشن بین و نسل جوان پر توقع و رادیکال را بشاریم و در قردانی از تالشهایشان دست بزنیم. (کف زدن و احساسات پر شور حاضر)

در تداوم این تلاش رادیکال همایشهای کونکان و زنان با ابعاد اجتماعی قابل توجه، نمونه روشن ارزش گذاری انسان و حق طلبی انسانی علیه حاکمیت و نظام سیاسی و موازین غیر انسانی حاکم بر جامعه بود. به علاوه سال گذشته 8 مارس و ماه مه و اعتصابات کارگری وسیع داشتیم. نزدیک به یک ماه اعتراضات گسترده شهرهای کردستان و در تنگنا قرار دادن جمهوری اسلامی را داشتیم. اعتصاب عمومی 16 مرداد مردم کردستان با مهر و سیاست چپ را داشتیم. کمپینهای گسترده برای آزادی فعالین کارگری و انسانهای دربند جمهوری اسلامی را داشتیم و نکته قابل توجه اینجا است که جامعه کردستان که نشست شورای کارهای کردستان در فعل و انفعالات آن دخیل و بر روندهای مبارزاتی آن متمرکز است. سهم بزرگی از جنب و جوش آزادیخواهان و چپ سال گذشته را بر عهده داشته و جنبش ما را جلو کشیده است.

در این یکسال و در این مبارزات ما حکمتنیتها با سر بلندی میگوییم بخش لاینفک این مبارزه رادیکال در شهرهای ایران و در کردستان بودیم. و ویژگی برای حزب ما آنجا است که سال گذشته ما از دل یک دوگانگی و تناقض چنین نقشی را ایفا کردیم. دوگانگی آنجا بود که

سر آغاز سال گذشته جنبش و حزب ما، حزب بنیاد گذاشته شده توسط منصور حکمت لطمه جدی خورده بود و تحولات سریع جامعه هم نخلتگری روز افزون حزب کمونیستی و منصور حکمتی را میطلبد. ما میبایست در دل جنگ و جدال روزمره نقش بازی میکردیم و امید به کمونیسم منصور حکمت و جنبشمان را احیا میکردیم. میدانستیم علاوه بر گفتن و نوشتن و ترسیم نقاوتهای پیمان و غیره این امید را با پر تیک اجتماعی و در جامعه باید زنده کنیم. چون حزب و خط ما همیشه گفته نقطه رجوع ما جامعه است.

به شاهی پر تیک اجتماعی سال گذشته و حضور مؤثر در تحریکات رادیکالی که اشاره کردم، به شادی حضور پر قدرت رهبران کمونیست و گارد آزادی در میان مردم و به شادی تاسیس گارد

آزادی به عنوان نیروی مسلح جنبش آزادی و برابری و نیروی مقابله با سناریوی سیاه و قوم پرستی و ارتجاع بر این دوگانگی فایق آمدیم. دوباره حضور حزب کمونیستی و حکمتنیتی را در جامعه و جدالهای آن تضمین کردیم.

همزمان با اعتصاب عمومی مردم کردستان، گارد آزادی و رهبران کمونیست عبدالله دارابی، مجید حسینی، کمال مرزبان، سردار نگلی، بدی کریمی، خالد علی پناه و تعداد دیگری راه افتادند، موانع را پشت سر گذاشتند تا اتصال مبارزاتی این سه دهه را محکمتر کنند. حضورمان را در هدایت و پیشروی مبارزات کنونی تامین کنند. مردم در کنار خود و در مبارزاتشان گارد آزادی و رهبران کمونیست را دوباره تجربه کردند.

تازه همه آنچه را که در یکسال گذشته ما و مردم انجام دادیم یک گام از صدها گامی است که برای پایان دادن به حاکمیت جمهوری اسلامی و سپس تضمین مدنیت، رفاه و سعادت در آن جامعه برداشتیم. اکنون ما و مردم در جای محکمتری ایستاده ایم. در موقعیت قدرتمندتری سرنگونی جمهوری اسلامی را در دستور کار داریم. در موقعیت قویتری سختیهای سد راه جامعه و مبارزه مردم را میشناسیم و میخواهیم آن را پس بزنیم.

واقعت اینست جامعه چه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و چه برای آینده بعد از جمهوری اسلامی در مقابل دو انتخاب اصلی قرار گرفته است. انتخاب آلترناتیو راست یا چپ؟

باد آمریکا خوابیده و با آرزوی تکرار تجربه کردستان عراق و اینکه همانند پارتی (حزب دمکرات کردستان عراق) و یه کیه تی (اتحادیه میهنی کردستان عراق) به نان و نوالی و به فدرالیسمشان



راست جامعه ایران و کردستان، ملی گراها و قوم گراها به امید دخالت نظامی آمریکا و حمایت پنتاگون با سرمایه گذاری بر شکافهای ملی و قومی و به قیمت تباهی جامعه، به قیمت پاکسازیهای قومی درست مثل نسخه عراق و افغانستان و یوگوسلاوی میخواهند سهمی از قدرت را به دست آورند. جنبش آزادیخواهان ما و مردم در همین ابتدا لازمست با تمام هوشیاری و توان این سناریو را خنثی کند. درست نقطه مقابل این سناریو ما و مردم با درهم کوبیدن کامل جمهوری اسلامی میخواهیم یک بار برای همیشه، رفاه، سعادت و آزادی و برابری در جامعه ایران حاکم شود. واقعت اینست عده ای تصمیم گرفته اند با ایجاد تفرقه، و ایجاد کینه و دشمنی قومی و ملی، صفوف مردم را پارچه پارچه و مردم را به جان هم بیندازند. بر عکس ما میخواهیم کارگران و مردم و هر انسان تشنه آزادی و رهایی دست در دست هم بگذارند، با اتحاد و ابتکار خود جمهوری اسلامی عامل مستقیم همه تبعیضات و ستم را بیندازیم و آینده عاری از هر نوع دسته بندی کاذب قومی و مذهبی و هر نوع تبعیض را بسازیم. اینها آلترناتیوهای مختلف هستند و باید انتخاب کنیم.

در کردستان عده ای قومپرست در

ضمیمه اکتبر ۶۹

عمومی سراسری مردم کردستان، مبتکران رهبران کمونیست و سازندگان گارد آزادی و کلیه پیام آوران آزادی و برابری است.

این کمونیسم قوی و این تجربه اجتماعی آزادیخواهی را به تخته پرش قدرت گیری انسانیت و برابری طلبی در سراسر ایران تبدیل میکنیم. به نیروی خنثی کردن قومگرایی، فدرالیسم و جنگ و پاکسازی قومی تبدیل میکنیم. به ابزار دفاع از مدنیت، آزادی و سعادت مردم و به ابزار حفاظت از کودکان، مدارس و محیط کار و زیست در مقابل بلای جنگ و ویرانی تبدیل میکنیم. به ابزار دفاع از کودکان و نوجوانان و جوانان و زنان و مردانی تبدیل میکنیم که بی خبر از هر چیز میخوانند آنها را به هیزم جنگ و کشتار آبی تبدیل کنند.

امیدوارم شورای کارهای تشکیلات کردستان و این تجمع با اعضا و مهمانانش در این جهت گیری و اراده سهیم شویم. مسئولیت ما و همسر نوشتی ما در قبال این وضاع مرز مهمان و عضو شورای امنتفی میکنند. نه مهمانان تلافی به این سالن آمده اند و نه ما تلافی آنها را دعوت کردیم. بلکه همگی سرمایه کمونیسم و آزادیخواهی این جامعه به این دلیل گرد آمده ایم چون امری مشترک و راه مشترکی داریم. امیدوارم در پیام پلانی به روشنی و با اراده اعلام کنیم. کردستان را به دروازه قدرت گیری انقلاب، چپ و کمونیسم و آزادی و برابری تبدیل میکنیم. همچنانکه بلشویکها پتروگراد را به این سنگر تبدیل کردند.

سال آینده، سال گسترش قدرت چپ و گارد آزادی است. همه انسانها آزادیخواه را به تقویت این حرکت دعوت میکنم.

برسانند. میخواهند پیاده رون نظامی آمریکا در تحمیل سناریوی سیاه بر ایران باشند. دقیقاً برای مقابله با تحریک انسانی و رادیکال و همین همایشهای زنان و کودکان و 8 مارس و ماه مه و جنبش رادیکال و کمونیسم و چپ قدرتمند آن جامعه میخواهند نقش گانگستری ایفا کنند. اما کور خوانده اند. کردستان ایران سنگر محکم کمونیسم و چپ است. سنگر آزادی و برابری است. در چشم مردم ایران سنگر انقلاب است و این سنگر را محکمتر از گذشته انقلابی میکنیم و آن را به تخته پرش قدرت گیری کمونیسم تبدیل میکنیم.

این ادعا نیست. این حرف ما سازندگان 26 سال رادیکالیسم و کمونیسم آن جامعه، 26 سال دفاع از مبارزه کارگر و زحمتکش، دفاع از حقوق زن و جوان و کودک، 26 سال تقابل بیوقفه با جمهوری اسلامی و مقابله با ناسیونالیسم و ارتجاع و حزب دمکرات، حرف سازندگان مقاومت توده ای و نظامی و تحصن بزرگ سنندج، کوچ تاریخی مریوان، خلع سلاح رزگاری، بلوکه کردن یکه تازی و قلندری حزب دمکرات، حرف مدافعان پیگیر آزادیهای بی قید و شرط سیاسی، سازندگان کمپینهای بزرگ کارگری و دفاع از کارگر، شرکت کنندگان مستقیم اعتصاب

تماس با ما:

دبیر کمیته کردستان:

h_moradbiegi@yahoo.com

Tel: 0046762737560

سردبیر:

sharifi_abdollah@yahoo.com

Tel: 00467365226

دستیار سردبیر: اسماعیل وایی

esmail.waisi@gmail.com

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست پیوندید!

کردستان دروازه قدرت انقلابی!



مختصری از متن سخنان عبدالله شریفی در دومین نشست شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب حکمتیست

میاید، مردم ما را قبول دارند، ما هنوز در ابتدای کار هستیم که منشا امید هزاران نفر شده ایم، البته مورد نفرت و وحشت جمهوری اسلامی و جریانات راست و ناسیونالیست هم شده ایم.

سرنوشت جامعه کردستان و تاریخ آتی آن به تصمیم امروز ما ربط دارد. قدرت متحد مردم بارها نشان داده است که میتواند پلان هر قدرت دولتی را در هم کوبد، که هر نقشه شومی را نقش بر آب کند، متحد کردن و رهبری مردم امری است مسوولانه که به تصمیم این جمع ربط دارد، مردم آن جامعه، نسل جدید، آرایخواهان، محرومان، چشم امینشان را به اراده ما دوخته اند.

ما باید به جنگ راهی جامعه برویم، امکان این جدال اجتماعی برای ما باز است و به همان درجه امکان موفقیت نیز چشم انداز روشنی دارد. گارد آزادی را باید تشکیل داد، باید مردم را در همه ابعاد نمایندگی کرد، باید به معادله قدرت و تغییر تبدیل شد. اراده انسانها حفاضل رابطه حرف و عمل است، اگر این حرفهای ما بصورت جماعوری نیروی مردم مادیت پیدا نکند، بعنوان صحبتهای خوب بایگانی میشود، اگر این حرفها بصورت بسیج و رهبری مردم مادیت پیدا کند، نه تنها کردستان و ایران بلکه عراق و کل منطقه با تغییرات جدی مواجه خواهد شد.

کردستان امروز دروازه وارد شدن به این جدال است، فورس و نیروی انقلابی سازمانیافته در کردستان، در ضرب اول تهران و مشهد و اصفهان را قوی میکند. بار دیگر کمونیستها را و پرچم سوسیالیسم را به عنوان راه حل در سطح جهانی مطرح خواهد کرد.

برای همگی در این امر خطیر آرزوی موفقیت میکنم.

کوتاه نیامند و جنبش های عظیم مردم را برای این امر رهبری کردند اینجا هستند. این نقطه قوت ما و جنبش کمونیستی ایران است. اگر فقدان حزب و پرچم کمونیستی امکان به خون کشیدن انقلاب ۵۷ را با مذهب ممکن کرد، اینبار آن تجربه تلخ و حزب و سیاست و افق روشن داریم، این بار نباید اجازه داد با حربه قوم پرستی همان بلا را سر جامعه بیآورند، نباید بگذاریم مردم خود فریبی کنند و ایران را به سرنوشت عراق و یوگسلاوی بکشانند.

رفقا! حدود يك سال قبل که جریان پلر هوا و فرقه حمید تقوایی حزب مارا دو شقه کرد و جمع وسیعی از آرایخواهان و کمونیستها را داشت نامید میساخت، همین انسانها بودند که امید دوباره را به آن جامعه و مردم نوید دادند. من آن موقع در ماموریتهای ملاقاتها و دیدارهایی زیادی داشتم، اکثر کسانی که با حزب ما آمدند، در ضرب اول از روی تئوری و درستی حرف ما نبود، انتخابشان را به تصمیم سیاسی شما گره زدند. از من خبر شما را میسر سیدند، تصادفی نبود که ما که نست خالی از آن حزب بیرون آمده بودیم و نه مدیا و نه ابزار ارتباطی در دست داشتیم آن همه نیرو در شهر های کردستان را جمع کردیم.

امروز این نشست، نشست جمعی وسیع از آن رهبران و انسانهایی است که گفتیم، ما امروز قصد داریم روند ویران کردن جامعه و تفرقه قومی را به روند رهایی مردم از شر جهالت و سرکوب و کشتار تبدیل کنیم، ما امروز جمع شده ایم تا بار دیگر به همان مردمی که با ما همسر نوشتند بگویم ما میتوانیم و باید در مقابل این سناریوی سیاه و جهمی همگام به میدان بیاییم. ما گارد آزادی را برای دفاع از امنیت جامعه، برای دفاع از تخریب مدنیت، برای جلوگیری از تفرقه قومی و مذهبی سازمان میدهیم، جریانات راست مسلح هستند، جمهوری اسلامی تا دندان مسلح است، مردم معترض و آرایخواه بدون حزب مسلح شائسی ندارند، ما میخواهیم مردم را در محل کار و زندگی خود در دفاع از زندگیشان مسلح کنیم و سازمان دهیم، این کار از ما بر

رسیدن به ناتوانی هستند. افکار جریانات ریز و درشت فاشیسم کرد باز شده است، همه دارند مسلح میشوند، پول میگیرند تا مدیای قوی برای اشاعه تفرقه و کینه قومی راه بیندازند.

ما هم باید بجنبیم و سناریوی خودمان را تدارک ببینیم، سوال این است که ما با اتکا به چه واقعیهایی میتوانیم این روند شوم را مسدود کنیم و پروسه سرنگونی رژیم اسلامی را با قیام مردم ممکن می کند که امید به این تحول را این چنین با هیجان با مردم در میان بگذاریم؟ واقعیت این است که نفوذ اجتماعی کمونیسم در کردستان حقیقتی غیر قابل انکار است. کمونیستها در جامعه کردستان، در حافظه تاریخی این جامعه حقیقی هستند که نه تنها در ذهن کارگر و ستمدیده آن جامعه ثبت شده است



بلکه در حافظه تاریخی بورژوا و ناسیونالیست آن جامعه جای خاصی دارد. کمونیستهایی که کردستان را به سنگر دفاع از انقلاب شکست خورده مردم ایران تبدیل کردند، کسانی که مقابله توده ای با تهاجم نظامی و لشکرکش جمهوری اسلامی را سازمان دادند، کسانی که شهر مریوان را کوچ دادند، کسانی که مقاومت نظامی ۲۴ روزه مردم سنندج را رهبری کردند، کسانی که مانع تکثیر تخصصات و جنگهای قومی که در نقده شعله ور کرده بودند، شدند، کسانی که برای اولین بار در تاریخ ایران حزبی قوی و مسلح کمونیستی برپا داشتند، در يك کلام تجسم انسانی کمونیسم ۳۰ ساله ایران امروز این جا هستند، شما هستید. کسانی که ارتجاع مسلح عشایر و شیوخ دست نشاندۀ صدام و ارتجاع منطقه (سپاه زرگاری) را خلع سلاح کردند، کسانی که جنگ تحمیلی حزب دمکرات علیه کومه له را به شکست ناسیونالیسم کرد تبدیل کردند، کسانی که از آرایهای جامعه از برابری انسانها

جامعه مینویسند. واقعیت این است که جمهوری اسلامی رفتنی است مرگ این هلاکوست اسلامی و پروسه سرنگونی آن به معضلی مبدل شده است که مردم و ما باید آنرا حل کنیم. این رژیم در بحرانهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی لاعلاج دست و پا میزند، وجودش با زندگی مدنی امروز در تناقص است، مردم این نظام را نمی خواهند، حکومت اقلیت تروریست و آتمکش است که جامعه را با فقر و فلاکت دچار کرده است، نظام ضد زن، ضد کارگر، ضد جوان و در يك کلمه ضد زندگی است. این رژیم مطلوب بورژوازی جهانی و ایرانی هم نیست، این رژیم لتگره شده در بازار جهان و چرخ اقتصادی جهان سرمایه نیست تا با مدلی از اقتصاد و سیاست جهان خود را سازگار کند، این حکومت آتمکشانی است که اگر همین دول غربی زیر بالش را نگیرند، اگر يك روزه از زندان و کشتار و خرافه و فقر تهی شود، يك روزه مردم آنرا بر می چینند.

رژیم اسلامی درد خود را میداند و به همین دلیل خودش يك پای از هم پاشد. شیرازه مدنی جامعه است. چند قدم آنطرفتر آمریکا در عراق حضور دارد و کشتی بوش و بلر در آن سرزمین ویران شده به گل نشسته است، این فاکتور در سیاست سردرگم میلترایستی آمریکا به محور تبدیل شده است و اینها هم طرف دیگر سوق دادن جامعه به فروپاشی هستند. جریانات راست ناسیونالیستها همه فرالیست قومی را مدال گردن خود کرده اند. دانشجو، زن، کارگر، جوان، آن جامعه را دارند تلاش میکنند شقه شقه کنند و به زیر پرچم نفرت قومی ببرند. دارند مسلح میشوند و در تدارک سناریوی عراقیزه کردن ایران هستند.

در کردستان اوضاع به طریق اولی در این زمینه "پیشرفتهایی" کرده است. حزب دمکرات کردستان پرچم قومی پرستی را میچرخاند و احزاب ناسیونالیست کرد در عراق و سران آن جریانات در سایه تخریب جامعه همه میلیونر شده اند، رویای گانگسترهای سیاسی کرد محسور این فالجه انسانی عراق در فکر

همگی شما خوش آمدید و خسته نباشید!

هنوز بچه بوم و به مدرسه نرفته بوم، مادر بزرگ شبانه بر ایلم قصه و خاطره تعریف میکرد، بیدارم از جنگهای قبایل و عشایر از مصائب و مشقات مردم در جنگهای قومی در دوران جوانی خویش تعریف میکرد. میگفت هنگامی که افراد مسلح عشایر کرد به کاروانی حمله میکردند و جمعی را اسیر میکردند. با يك کلمه آنها "محاکمه" میکردند، میسیر سیدنگو (پلاو) از روی تلفظ حرف (ل) کسی که لهجه دیگری داشت همانجا میگشتند، میگفت که اسرا را کتابی بغل هم میچینند و مسابقه میدادند که با يك تیر چند نفر را همزمان میتوانند بکشند. گویا معلوم شده است که يك تیر تنگ برنو میتواند ۹ نفر را بکشد. من پارسال در شهر کرکوک شاهد جنگ قومی بودم که جریانات قومی کرد و عرب بانی آن بودند. پل بلند مرکز شهر را از همبگر میگرفتند تا تردد "کرد" یا "عرب" را زیر کمین داشته باشند، ظرف ۲۴ ساعت ۶ نفر را از آن پل به پایین پرت کردند، قربانیان ۳ نفر عبر کرد زبان و ۳ نفر عبر عرب زبان بودند. این اتفاقات مربوط به دوران قدیم و قصه مادر بزرگها نیست، این واقعیت تلخ دوران ما و قرن بیست و یکم است. نسل کثی قومی رواندا، کشتار و جنگ قومی در یوگسلاوی، ترور و جنگ و نفرت قومی جاری در عراق، دیگر داستان دوران عشایر و خان خانی نیست، اتفاقاتی است که دم در خانه هر شهروند جامعه امروز را میزند، این خطر دارد بصورت هولناکی زندگی ما را به مخاطره میاندازد. دیگر دیدن تصاویر تلویزیون نیست که بقول منصور حکمت بشود اثر خاموش کرد، این وضعیت چنان نزدیک احساس میشود که میتواند سر نوشت ما و جامعه ما باشد. میتوانند فردا سر راه مدرسه بچه من و شما را بگیرند و بی خبر از هر چیز او را کرد و عرب و فارس و عجم قلمداد کنند و بکشند، این محتوای واقعی نسخه ای است که فرالیست چی های قومی و گانگسترهای سیاسی جامعه ایران برای آن

در رابطه با مباحث نشست ... ایرج فرزند از ص ۱

انتحاری در میدان کار شهر بغداد، خود را با مواد انفجاری اش در میان انسانی که جمع شده اند تا خریداری برای نیروی کارشان در آن روز پیدا کنند، منفجر میکند و بیش از ۱۰۰ نفر را تکه تکه پاره میکند. آن کارگران که میخواستند آنروز را گرسنه نمانند به خاطر اینکه منتسب به "شیعیان" بودند به خون کشیدند. دارم یوگوسلاوی بیروز را مرور میکنم و صحنه های گورهای دسته جمعی که "اکراوت" ها از کوچک و بزرگ "صرب ها" و آلبانیایی تبارها و مقدونی تبارها ساختند و انتقامجوییهای متقابل را در برابر چشمان بهت زده ام می بینم. دارم قتل عام فجیع بیش از دو میلیون انسان را در رواتدا و در تصفییه ها و پاکسازیهای قومی در اوج نابوری بر صفحه تلویزیون و در لابلای سطور روزنامه ها می بینم و میخوانم. و حیران و وحشت زده و فاقد هر امکان عکس العمل،

آشنا و دوست و هم شهری و همکلاسی و فامیل و خویشاوند را در ایران و کردستان خواهد گرفت؟

جنبش روشنفکران انقلابی و چپ است و منادی مشروطه و تجدد خواهی و سنگر پایان دادن به سلطه ملوک الطوائفی فئودالها و

بین قومیتهای "مظلوم" مقیم مرکز و فارسهای "شونیست" در ابعادی بلورنکردنی تر تکرار خواهند کرد. و اینجا است که به من و ما،



را تشخیص داد. حزب حکمتیست تصمیم گرفت و عزم جزم کرد که در برابر سیر جنایتی که به روی بشریت گشوده اند، سد و دیوار و گاردی بنا کند. برای من تاکید نشست شورای کادرهای کمیته کردستان حزب بر تصمیمات پلنوم سوم، و تصمیم راسخ رفقای دست اندر کار برای پیشبرد و راه اندازی و سازماندهی این گارد در محل کار و زندگی مردم ایران، تمرکز مشغولیتها و فعالیتها بر حفظ شالوده مدنی جامعه و توجه به انسان و رجعت به هویت و حق جهانشمول انسان بود. برای من و همه ما در آن نشست، نگرانیهای رفقا، سوالات و پاسخ به ابهامات، عزم برای بنای یک ستون مقاومت و ایستادگی در برابر رویاهای جنایتکاران قوم پرست و ناسیونالیست و فدرالیست چی و سناریونویسان سیا و پنتاگون است. برای من و رفقا و کل پیکر جنبش حکمتیسم، این مهمترین تصمیم و تاریخی ترین نماد عزم یک حزب کمونیستی و اعلام اراده یک جمع مسئول در برابر مقدرات زندگی میلیونها انسان است که سنن و سیاستها و اهداف منصور حکمت، لنین و مارکس و آمل و آرزوهای سوسیالیسم طبقه کارگر و انسانیت جهان متمن را نمایندگی میکنند. برای من و همه رفقایم در حزب حکمتیست این تصمیم، اراده برای پشت سر گذاشتن دنیای تملقهای مقابل و به خود مشغولیتها و فاصله گرفتن اجتماعی و طبقاتی از "چپ"ی است که به دنیای مهجور عبارت پردازیها و موجودیت ویرچوال و مجازی، خو کرده است و از کنج خلوت زندگی حاشیه ای و فرقه ای تحت نام "چپ"، روی خود را از هجوم خونین سناریو سیاه و تعرض به انسانیت شهروندان به چنگ زدن به هویت قومی، برگردانده است.

۲۲ دسامبر ۲۰۰۵

شهروند متولد شده در ایران اخطار میدهند که دیگر آن آدم ناظر "بیطرف" که هنوز پاکسازیهای خونین را به پشت درب منزلش نیورده اند، نیستم.

تصاویر این مناظر، من را همراه با تعداد بسیاری دیگر از همزمانم در حزب حکمتیست بشدت تکان داد. قبلا عزیز همه ما، منصور حکمت، هشدار داده بود که تشخیص سناریو سیاه و احساس مسئولیت در برابر سرنوشت جامعه یک شرط اساسی کمونیست بودن هر جریاتی است که چنان داعی دارد.

و در نشست شورای کادرهای کمیته کردستان حزب، به خود گفتم و قعا کمونیسم ما به چه درد میخورد اگر رسالتش را حفظ حرمت انسان قرار ندهد؟ به خود گفتم که قعا ما چه خاصیتی داریم اگر به خود مشغول باشیم و در برابر کلبوس و هراسی که بالای سر جامعه ایران آویزان کرده اند بی تفاوت و فاقد هر اقدام و حرکتی بمانیم؟ گارد آزادی و تصمیم پلنوم

سلطین قاجار بوده است، ترک ها نامیند و برایش جبهه آنراییجان جنوبی سرهم بندی کردند. سران حزب دمکرات کردستان ایران همراه با "شخصیتهای" خود، امثال بها انب، نو دستی طرح فدرالیسم قومی را چسپیدند و "سایقه" ۶۰ ساله خود را وثیقه ادای احترام به هر فرقه و باند و دسته قوم پرست قرار دادند. کردستان و نقش کمونیستها در ایستادگی در برابر جمهوری اسلامی و بازپس زدن قدریها و بند و بستهای حزب دمکرات با جمهوری اسلامی، مرکز تجلی عظیم ترین تحرکات مردم آزادیخواه و رهبری نبردهای بسیار بزرگ توسط کمونیستهای شناخته شده را عشایر و قوم و سنی مذهب و غیر شهری مینامند. به جامعه ما، چون یوگوسلاوی و عراق و عده میدهند که هویت قومی کردهای "مقیم مرکز" و کردهای قوچان و سفراین و بجنورد را به آنها باز خواهند گرداند و جنایات هواناک پاکسازیهای قومی در قلب ساریو رادر تهران ۱۴ میلیونی

وقتی به بحث موسسه امریکن انترپرایز نگاه کردم و صحبتهای اعضای پانل را خواندم، دیدم رویای این کلبوس مرگ و نابودی انسانیت و تکه پاره کردن حرمت و حیثیت انسان را به پشت دروازه های ما، شهروندانی که در ایران متولد شده و یا علقه های ریشه داری با آن جامعه داریم، آورده اند. مفسر "باوجدان" بی بی سی پس از ناآرامیهای اهواز، همان ترمهاتی را بکار برد که در یوگوسلاوی با آن حمام خون راه انداختند: مردم خوزستان، جایی که مرکز تولد بخش پیشرو طبقه کارگر صنعتی ایران است را "عرب" و دارای خواست و مطالبه "هویت عربی" لقب دادند و پس از آن سازمان فاشیست و مجهول الهویه ای چون جبهه الاحواز کاندیداتوری خود را برای بازی کردن نقش همتای خود، "ارتش آزادیبخش کوسوو"، و به عنوان پیام آوران مرگ و معماران گورهای دسته جمعی اعلام کرد. مردم تبریز و آنراییجان را که مهد

آینده صفحه نوشته نشده ای است که انسانهای زنده امروز میتوانند با چشم باز آنرا

بنویسند. اراده انسان تاریخ را میسازد.

کوروش مدرسی

نه هویت قومی، نه هویت مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

رفقای عزیز عذرا آدمی (آباجی) و خانم صفری (سیدزاده)



مدام شما در راه آزادی و برابری در کنار ما است. با تیریک مجدد، برایتان موفقیت بیشتر در کنار هم را آرزو میکنم.

از طرف کمیته کردستان حزب حکمتیت
حسین مرادیگی (حمه سور)
21 دسامبر 2005

ویست و معامله با حکومت های مرتجع منطقه در مرز ها به انتظار بنشینید و روز و روزگاری به کمک آنها و یا با حمایت مادی و بمب افکن امریکایا وارد شهر های کردستان شوند. این نیرو در بنو تشکیل شدن در شهر ها و در میدان بازی دشمن اظهار وجود کرده است. این نیرو، از بنو شروع فعالیتش برای همگان روشن و مشخص است و اهداف و آرمان این نیرو بر کسی پوشیده نیست و برای موافق و مخالف کاملاً روشن و عیان است. بهمین خاطر طی همین مدت کوتاه اظهار نظرات گوناگونی در مورد آن اعلام شده است. دستان! جا دارد از طریق این تریبون هم بار دیگر کمپ آزادیخواهی و برابری طلبی را به دفاع از گارد آزادی فرا خوانم تا با پیوستن به صف گارد آزادی آنرا همه جانبه تقویت نمایند.

شیرازه مدنی آن که اکنون قوم پرستان در فکر آن هستند، یعنی دفاع از عدالت اجتماعی و حرمت انسانی.

دستان! هر جا گارد آزادی حضور و وجود داشته باشد، بایستی پرچم آزادی خواهی و دفاع از هویت انسانی کم کم بر افراشته شود. بایستی حکم اعدام توسط جانیان اسلام بکلی رخت بر بندد و برای همیشه متوقف گردد. باید حکم سنگسار عملاً لغو شود و از این پس رژیم جرات چنین



کلی را بخود راه ندهد. باید زن ستیزی و زن آزاری در تمام شکل خود بویژه مرد سالاری و پدر سالاری ناپدید گردند. تشکیل گارد آزادی در محل زیست مردم، باید سریعاً به تغییر تناسب قوا و تغییر فعالیت های سیاسی به نفع آنان تبدیل شود. حضور و وجود گارد آزادی باید با متوقف ساختن هر گونه تعرض و قلدری قوم پرستان و گانگستر های مسلح اسلامی علیه مردم توم باشد. گارد آزادی هر جا باشد بایستی پرچم دفاع از هویت انسانی را برافراشته کند و برای حفاظت از آن انرژی تمام و کمال را به آن اختصاص دهد.

این بار نیروی مسلح مردم یعنی گارد آزادی در محل زیست خودش تشکیل شده که بطور روزمره در صف مقدم مبارزات مردم علیه رژیم شرکت دارد. این نیرو، نیروی چریکی نیست که جدا از مردم یا بقول خونشان با "موتور کوچک موتور بزرگ" را بحرکت در آورند. این نیرو، پیشمرگ مسلح ناسیونالیست ها نیست که با ساخت و پاخت و بند

کرد و در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی قاطعانه در برابر هر مانعی بویژه قوم پرستان و مذهبیون مرتجع خواهد ایستاد و



اجازه نخواهد داد خیابان ها و محلات تهران و مشهد و تبریز و رضائیه و... به سنگر بندی قوم پرستان و مرتجعین تبدیل گردند بار دیگر بسوی مردم ایران خون بپاشند. فلسفه وجودی گارد آزادی و خمیر مایه اصلی آن در اساس جواب به این ضرورت سیاسی- اجتماعی جامعه ایران است نه هیچ چیز دیگر. گارد آزادی از بنو تشکیل شدنش تا زمان سرنگونی رژیم اسلامی بمثابة یک نیروی قاطع و جدی در خدمت متحقق ساختن اهداف کارگران، زنان، جوانان و همه مردم آزادیخواه ایران عمل خواهد کرد و با تلاش روزمره خود عرصه های دیگر مبارزاتی مردم را تقویت خواهد کرد و ببنوسپله مسیر سرنگونی رژیم را تسریع خواهد بخشید. این بار کارگر کمونیست و مردم آزادیخواه تنها با دست خالی در مقابل توپ و تانک و مزدوران تا ندان مسلح رژیم نخواهند ایستاد، هر وقت لازم بدانند نیروی مسلح خود را بمیدان خواهد آورد و برای دفاع از موجودیت خود و حفاظت از دست آوردهایش بمقابله خواهند پرداخت. حضور گارد آزادی در صحنه سیاست یعنی حفاظت از آزادی و برابری، یعنی دفاع و حفاظت از برابری زن و مرد، یعنی مدافع سرسخت جوانان برای رسیدن به زندگی شاد و انسانی، گارد آزادی یعنی نیروی دفاع از امنیت و مدنیت جامعه در مقابل تخریب و از هم پاشیدن

است. در کنار این رویداد ها صف بندی های طبقاتی بیش از هر زمان دیگری قابل رویت شد. در پرتو تعرضات آمریکا و دول غرب تحت نام "دمکراسی"، ارتجاع قومی و مذهبی در جهان و بویژه در سطح خاورمیانه با مضمون "واقعی خود" عرض اندام کرده و بشریت متمن و آزادیخواه و برابری طلب را بیش از پیش تهدید میکند. با عروج اسلامی سیاسی در عراق و گماردن آنها در قدرت، جمهوری اسلامی چنان تقویت شده که بخونشان هم جواب سربالایی میدهد و حاضر نیست زیر بارشان برود. با استقرار آمریکا در عراق و افغانستان و منطقه، اپوزسیون راست ایران از سلطنت طلبان گرفته تا حزب دمکرات کردستان ایران و بقیه اهل و بیت، همه و همه در کمین عراقیزه کردن ایران نشسته و برای ایران خواب سناریو سیاه را می بینند. خلاف دوران ۵۷، کل اپوزسیون راست ایران در صدد آن هستند که سرنگونی جمهوری اسلامی ایران را با آلتز ناتو حکومت قومی- مذهبی عوض کنند و بجای مردم خود بر اریکه قدرت لم دهند و شیرازه جامعه ایران را چون عراق به سیاهی و تباهی بکشاند. اپوزسیون راست ایران بشدت از آن بیم دارند که رژیم جمهوری اسلامی توسط مردم سرنگون شود، چون میدانند کارگران و مردم آزادیخواه ایران علیرغم دادن آنهمه قربانی و تحقیر و فقر و فلاکت و گرسنگی و... این بار حاضر نخواهند شد سرنگونی جمهوری اسلامی را با سناریو سیاه قومی پرستی جایگزین کنند. سرنگونی جمهوری اسلامی حکم قطعی مردم ایران است و بایستی پروسه کنار زدن آنهم با جایگزینی خود مردم به فرجام برسد و حکومت سوسیالیستی بر ویرانه های آن بنا شود. این بار، پختگی و تجارب هنگفت کارگرو کمونیست و مردم آزادیخواه تکرار سناریو سال ۱۳۵۷ را سدا خواهد

با سلام گرم

به اطلاع میرسانم که در اولین نشست کمیته کردستان حزب که روز 19 دسامبر 2005 در پایان نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب برگزار شد، پیشنهاد انتخاب شما عزیزان به عنوان اعضاء افتخاری کمیته کردستان حزب حکمتیت مطرح شد. این پیشنهاد با رای تمایل اکثریت حاضرین در این جلسه و بعداً موافقت کوروش مدرسی لیبر حزب تصویب شد. انتخاب شما را به عنوان عضو افتخاری کمیته کردستان حزب تیریک میگویم. این کار قدرتی از سابقه مبارزاتی 30 ساله و احترام به تلاش

بخشی از متن سخنرانی عبداله دارابی ... از ص ۱

چگونه با نهایت فداکاری سرنگون کردند و سرانجام و ماحصلش هم به جیب چه کسانی رفت! مردم آزادی خواه آن نوره ایران، برای تحقق آزادی و عدالت و حرمت انسانی بمیدان آمدند و برای رسیدن به آزادی و رفاه و خوشبختی رژیم سلطنت را سرنگون کردند. اما عمده نیروی چپ آنروز، نه کالیبر و نه ظرفیت این خواست مردم را نداشتند، بنا به فلسفه ضد آمریکایی گری و تقویت اردوگاه بین المللی اش بدون آلتز ناتو حکومتی وارد کارزار مبارزه با رژیم سلطنت شد که در نهایت امر خاصیتش غیر سرنگونی طلبی چیز دیگری نبود و بمحض سقوط رژیم سلطنت بلافاصله در بارگاه "خمینی خودی، خمینی ایرانی و خمینی ضد آمریکایی" زانو زند و بخدمت در آمدند. نمونه بارز این چپ، حزب توده و چریک های فدایی "اکثریت" بودند که همراه با جبهه ملی و... هر آنچه در توان داشتند برای یک رژیم بغایت ارتجاعی و مذهبی، و زن ستیز که با زور بر مردم تحمیل شده بود بکار بردند. در خلال این ۲۷ سال، علاوه بر تحمیل کردن یک رژیم اسلامی و مرتجع بر کرده مردم ایران، رویداد هایی بمراتب بزرگتر از آن در سطح جهان اتفاق افتاد که کل دنیا را تکان داد. سقوط بلوک شرق سرمایه داری را به نام "سقوط پایان سوسیالیسم" در بوق کردند و به خورد مردم دادند. بر بستر این رویداد بزرگ، جغرافیای جهان تغییر کرد، پرچم ها عوض شد و ندامت و یاس و نامیدی در صفوف "چپ موجود در جهان" آغاز گردید. بنبنال این واقعه، جنگ های خاتمانسوز و ویرانگری تحت پوشش "دمکراسی، قومی گری و مذهبی" بمرم یوگوسلاوی، رواندا و عراق و افغانستان و... تحمیل گردید و هم اکنون نیز در جریان



دستان! همانطوریکه بار ها اعلام کرده ایم، بی مناسب نمیدانم در این نشست هم بار دیگر به اطلاع عموم برسانم که عمده ترین ضعف گارد آزادی جنبه مالی و مادی آن است که به غیر شما هیچ منبع و نیروی دیگری برای تامین آن نداریم. بهمین خاطر باز هم دست همکاری را برای بر طرف ساختن این خلاء بسوی شما دراز میکنیم و انتظار داریم ما را در پیشبرد این امر مهم یاری رسانید.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد گارد آزادی
عبداله دارابی ۱۷ دسامبر ۲۰۰۵

نشست دوم شورای کادرها مهم بود!



سعید یگانه

در جریان سرنگونی جمهوری اسلامی یکی از شرایط های ممکن و محتمل در نتیجه این تحولات است.

جمهوری اسلامی هر چه زودتر و به دست مردم باید سرنگون شود و برای مقابله با احتمال سناریو سیاه و در دفاع از آزادی و مننیت جامعه از همین حالا باید صف آرایی کرد. این پیام نشست شورای کادرها به مردم کردستان بود و گارد آزادی آرایش ما برای مقابله با این اوضاع است.

پیام نشست شورای کادرها به مردم کردستان این بود که به گارد آزادی بپیوندند.

رنگ مذهبی پاشیدند و زندگی میلیونها انسان را برای بیشتر از دو دهه به گروگان گرفتند. و این بار نیز با دخالت و کمک امریکا مبارزه و اعتراض مردم برای خلاصی از شر اسلام و برای آزادی و برابری را می خواهند رنگ قومی و ملی بزنند. ترجمه عملی آن در صورت اجرای این سناریو تکه تکه کردن ایران بر مبنای قوم و ملت و، جنگهای قومی و پاکسازی های قومی است. علاوه بر آن دخالت امریکا در اوضاع ایران، درگیری ایران و آمریکا بر سر مسئله اتمی و پیچیدگی خود جمهوری اسلامی، همه فاکتورهایی هستند که تحمیل یک سناریو سیاه به جامعه ایران

سیاسی ایران جابز کرده اند، که اوضاع آتی ایران را بشدت حساس و پیچیده کرده و در صورت اجرا و اسفرا آنها، جامعه ایران را با مخاطرات جدی روبرو خواهد کرد. بنابراین هوشیاری و آمادگی بیشتری را برای مقابله با این اوضاع از مای طلب. فدرالیزم قومی و بر جسته کردن هویت قومی و ملی مردم و تلاش ناسیونالیستها و قوم پرستان برای اجرای این سناریو در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی یکی از فاکتورهای مهم و دخیل در تحولات آتی ایران است. و از همین حالا برای آن دست به کار شده اند. 25 سال قبل انقلاب مردم ایران برای آزادی و رفاه را به آن

نشست بودم. از نظر من این نشست عدی و روتین شورای کادرها نبود. درک اوضاع جدید و بررسی فاکتورهای جدید در اوضاع سیاسی ایران، و به این معنا حساس بودن تحولات آتی در ایران، وظایف و اولویتهای این دوره و آرایش مناسب و تشکیل گارد آزادی، مسائل مهمی بودند که این نشست به درستی به آنها پرداخت و مورد توجه جدی قرار داد.

اما یکی از بحثهای مهم این نشست تشکیل گارد آزادی و اجرای این پروژه بعنوان یک دستورکار مهم تشکیلات کردستان حزب بود. چرا؟ فاکتورهای امروز در صحنه

دومین نشست شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب حکمتیست در تاریخ 17 و 18 دسامبر با شرکت تعداد زیادی از کادرها و مهمانان برگزار شد. من هم یکی از شرکت کنندگان این

گارد آزادی و جنبش رهایی زن!

مساوی در محل کار و زندگی میتوانند و باید در گارد آزادی سازمان یابند.

ما خود تجربه نقش زنان کمونیست در سازمانهای مسلح را تجربه کرده ایم. ما تصویر جدید از زن در تمام عرصه ها و از جمله عرصه مسلحانه را در تاریخ خود داریم.

جامعه کردستان سالها قبل نقش زنان و رهبری زنان در این عرصه را دیدند و پذیرفتند. گارد آزادی باید رنگ قدرت و نفوذ جنبش رهایی زن را به خود بگیرد. زنان و دختران جوان در شهرها میتوانند و باید وسیعا عضو گارد آزادی باشند..

برخواست. بحث گارد آزادی برای دفاع از مننیت جامعه را باید با بحث این گونه تفرقه و جداسازی ها در یک مسیر نگرینست. نقش زنان مسلح در محل کار و زندگی باید تامین شود، باید موانع این کار آگاهانه برداشته شوند. نیروی مسلح از منظر ناسیونالیستها، سنتا چهره مردانه دارد، از نظر این سنت ارتجاعی" شیر مردان" هستند که توان مسلح شدن را دارند و زنان بلافاصله در بهترین حالت خدمتگذاران پشت جبهه هستند. اما گارد آزادی تفاوت اساسی با این نوع سنت دارد. گارد آزادی تشکیلی است در محل زندگی و کار مردم، نفوذ و قدرت جنبش رادیکال و برابری طلب زنان و جایگاه این جنبش اجتماعی در کردستان باید در گارد آزادی هم نماینگی شود، مرد و زن بطور

رژیم اسلامی را به طرف گور سوق داده است، امروز به عنوان يك واقعیت اجتماعی موجود است. نه تنها رژیم اسلامی بلکه سیاستهای قوم پرستانه نیز در مقابل این حرکت انسانی قرار میگیرد. آنچه ناسیونالیستها میخواهند این است که این جنبش تحت نام" زن کرد و زن فارس و زن عرب" را، زیر عنوان قوم پرستی متفرق کنند. ناکلامی سیاست ضدزن و سرکوبگرانه رژیم اسلامی دارد در قالب دیگری علیه این جنبش قدرتمند اجتماعی به بازار عرضه میشود. ما باید با تمام توان به مقابله قوم پرستی در همه ابعاد برویم و نباید مجال بازیگری این جریانات مرتجع و ضدزن را در این بازی خطر ناک بدهیم. با تفرقه این جنبش، قتمهایی در تفرقه جامعه ایجاد خواهند کرد. باید در مقابل این سیاست ضدزن به مقابله

نفوذ کمونیسم در جامعه کردستان واقعیتی است که همه به آن اعتراف میکنند، به این دلیل که رهبران کمونیست در شکل دادن به مراحل مهم تاریخ آن جامعه نقش اساسی بازی کرده اند. جنبش رهایی و برابری طلبانه زنان در جامعه کردستان امری است که نیاز به تعریف طول و عرض آن نیست. همه، ۸ مارسهای توده ای و رادیکال سنندج و شهرهای کردستان را در چند سال گذشته شاهد بوده اند. جنبشی عظیم رهایی طلب، جنبشی که پائنه اشیل رژیم آپارتاید جنس اسلامی است، رژیمی که قداره بندان اسلامی با جهالت و سلحه و زندان و اسید درمانده اند، جنبشی که انعکاس نفرت مردم از حجاب اجباری و سنگسار و قوتابین زن ستیز اسلامی است و با هر حرکتش



سوسن هجرت

نشست دوم شورای کادرها با متانت و همراه با شور شوق خاصی به مباحث حول گارد آزادی و نقش کمونیسم در سرنوشت جامعه پرداخت. دوروز مباحث با اهمیت و تیزبینانه بر محور سازمان دادن مردم حول گارد آزادی برای من بسیار جالب و آموزنده بود.



منتخب آثار منصور حکمت توسط حزب کمونیست کارگری عراق به عربی ترجمه شد!

جایگاه نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب حکمتیست!



فرهاد رضایی (کمال)

رفتش را از طرف مردم گرفته است. مردم به کمتر از سرنگونی رژیم اسلامی رضایت نخواهند داد.

این وضعیت باعث شده است که تمام جریانات و احزاب سیاسی در مبارزات مردم فعال تر شوند. نقش خود را به مبارزات مردم بزنند و خود را پرچم دار مبارزه انقلابی مردم به حساب بیاورند.

این احزاب و جریانات که سعی میکنند رهبری جامعه را در دست بگیرند عبارتند از حزب حکمتیست با پرچم آزادی و برابری، احزاب راست با پرچم فدرالیسم و احزاب اسلامی با پرچم شکست خورده دو خردادی هر کدام برای آینده ایران بعد از سقوط رژیم اسلامی سناریوهای گوناگونی در دست دارند.

در این میان حزب حکمتیست پرچم آزادی و برابری را به پرچم اعتراضات و مبارزات انقلابی مردم تبدیل کرده است، و به میدان این جنگ با رژیم اسلامی رفته است. نشستهای متعددی را برای چگونه کوتاه کردن دست رژیم

جمهوری اسلامی نزدیک به سه دهه است که استبداد و خفقان را به مردم ایران تحمیل کرده است. رژیم اسلامی در طول حیاتش با مبارزات انقلابی مردم روبرو بوده است و هیچ وقت روی آسایش به خود ندیده است.

مردم همیشه رژیم اسلامی را به مصاف طلبیده اند، و رژیم اسلامی با توصل به نیروی سرکوبگرش کشتار، زندان، اعدام و سنگسار را برای مرعوب کردن مردم روی آورده است. اما با وجود سرکوب شدید مردم توسط نیروهای اسلامی، مردم نه تنها کوتاه نیامده اند، بلکه مبارزانشان را گسترش داده اند و رژیم اسلامی حکم

جمهوری اسلامی از زندگی مردم ایران برگزار کرده است.

در روزهای 17 و 18 دسامبر 2005 نشستی از طرف شورای

کادرهای کردستان حزب حکمتیست برگزار شد، که 130 نفر از کمونیستها و رهبران سه دهه از مبارزات کمونیستی علیه رژیم اسلامی در آن شرکت نمودند. آنها همگی تصمیم گرفتند سرنگونی حکومت اسلامی را با اراده و در زیر پرچم حزب حکمتیست مصمم تر از همیشه هموار کنند.

از نظر من این نشست به دو نکته مهم در این دوره تاکید گذاشت، اول اینکه، خاتمه دادن به حیات استبدادی جمهوری اسلامی و فقر و فلاکتی که به جامعه ایران وارد کرده است و تحقق و تضمین آزادی و برابری در جامعه. دوم تاکید روی گسترش گارد آزادی به عنوان ایزاری جلوگیری از هم پاشیده شدن مننیت در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی توسط احزاب و جریانات قوم پرست و مذهبی که نقشه

"عراقیزه" کردن ایران را در دست دارند و پاکسازی قومی و دشمنی کور و تفرقه را در بین مردم گسترش میدهند.

که در این نشست به کرات روی آن تاکید شود و تنها ایزاری برای دفاع و تضمین آزادی در زندگی مردم و حفظ مننیت در جامعه در مقابل قوم پرستها و گانگسترهای اسلامی است.

نشست اعلام کرد که تمام توان خود را برای سازماندهی و گسترش گارد آزادی بکار خواهد گرفت.

سیاست ما در کردستان روشن است، ما پرچم آزادی و برابری را در دست داریم و در هر نقطه از ایران که بتوانیم آن را به اجرا در می آوریم. اما کردستان امروز به دروازه قدرت برای ما تبدیل شده است. به این دلیل که در هر تلاطمی کردستان از دست جمهوری اسلامی خارج خواهد کرد و ما از این طریق قدرت بیشتری میگیریم و پیشروی برای سرنگونی رژیم را سریعتر

میکنیم. ما در کردستان دارای طیفی از رهبران شناخته شده هستیم که برای مردم قابل اعتماد هستند و مردم آنها را رهبر خود میدانند. این به ما امکان میدهد که جامعه را سازماندهی کنیم و کل قوی رژیم را بیرون برانیم و مبارزات مردم را در دیگر نقاط ایران تقویت کنیم و از طرف دیگر از فروپاشی مننیت در جامعه توسط دیگر جریانات احترارکنیم. حرف من برای مردم این است که دوره عمر رهبری بی پایان رسیده است، حزب حکمتیست این خلا را پر کرده است و مهمتر از همه گارد آزادی را تشکیل داده است، گاردی که تضمین حفظ مننیت و آزادی و برابری را به عهده گرفته است. به همین دلیل از همه انستهای مبارز، جوانان دختر و پسر توقع دارم که به گارد آزادی بپیوندید.

نشست دوم شورای کادرهای حزب در کردستان!



کلاویژ مصطفی پور

میروند گوش میدهم، صحبتهای پر بار از کوله بار پر تجربه، برای من که در آن تاریخ به آن شکل نبوده ام بسیار جذاب است. گاهی به خود میگویم کاش من هم در این تجارب ارزنده نقش داشتم. وقتی این جمع راجع به تاثیرات کمونیستها در جامعه کردستان میگویند، زمانی را بیاد میآوردم که

مردسالاری و زن ستیزی در درون خانوداها چگونه از ترس کمونیستهای مسلح در شهر و روستا عقب نشسته بود. بیاد دارم که میگفتند کمونیستها و کو مه له ایها نمیگذارند مردم دخترانشان را به ازدواج اجباری در آورند، اجازه نمیدهند که زن تحقیر شود و کتک

من این دومین بار است که در نشست شورای کادرهای حزب در کردستان شرکت میکنم، و معمولاً بطور جدی به مباحث ارزنده آن گوش میدهم. به صحبتهای رهبران با تجربه مردم که در این نشستها پشت تریبون

جامعه ای که زیر سلطه ناسیونالیسم کرد، قرار دارد زن چه وضعی دارد؟! این سوال را با دیدن آنجا برلیم روشن شد، وجود مردسالاری مذهب زنگی، فشار و اختناق سنت و قاتون، جهمی برای زن "کرد" در کردستان "آزاد" شده، درست کرده است. خونسوزی و تحقیر و ترور در ابعاد متفاوت پدیده ای است که به جان زنان آن مملکت افتاده است. پیش خود میگفتم این بدبختی را اگر به کردستان ایران بکشاند، سرنوشت آن جامعه هم همینطور خواهد شد، در واقع زنان و محرومان از چنگ مذهب رها میشوند و در چنگال خرافه قومی

بخورد، حرمت انسانی برای زن را به جامعه آورده بوند، اکنون متوجه هستم که آن کمونیستها و کو مه له ایها همین رفقا و دوستان امروز من هستند. همین انستهای دارند راجع به سرنوشت جامعه مسولانه سیاست گذاری میکنند، حزب میسازند و گارد آزادی تشکیل میدهند.

من افتخار میکنم فردا جزو کسانی باشم که زنان و محرومان آن جامعه در اثر فعالیت من در زندگیانشان تغییراتی را احساس کنند.

من چند ماه قبل سفری به کردستان عراق داشتم و کنجکالونه جویای موقعیت زن در آن جامعه بودم،

اسیر خواهند شد. باید بگویم نقش گارد آزادی باید در سرنوشت قویتر شدن جنبش زنان از همه قیود تاثیر داشته باشد. حزب ما باید قوی باشد، تا زنان را نجات دهد، حزب قوی در کردستان یعنی حزب مسلح، گارد آزادی باید زنان را در محل کار و زندگی متحد کند. تا سیاست انسانی و برابری طلب قویتر بتواند به مقابله هر بی حقوقی برود.

کمونیست هفتگی

روزهای جمعه منتشر میشود،

کمونیست را بخوانید و آنرا تکثیر کنید!

حکمتیستها و مصافهای آتی در کردستان! پروین معادی

جای تمام زنان آزادیخواه، چپ و کمونیست در کردستان در صفوف ما حکمتیستهاست. ما معتمد می‌کنیم در محلات شهرهای کردستان در صفوف گارد آزادی باشیم. پروین معادی
۲۱ سامبر ۲۰۰۵



تعهد می‌کنیم که کردستان را به سنگر کمونیسم و انقلاب آتی در ایران تبدیل کنیم. ما زنان کمونیست و انقلابی نخواهیم گذاشت سنج و شهرهای کردستان به مرکز تاخت و تاز قوم پرستان و فدرالیستها تبدیل شود. قدرت ما در مراسمهای اول مه و مراسمهای روز جهانی زن این حکم را در جامعه تثبیت خواهد کرد. صف ما در مقابل جمهوری اسلامی جنایتکار در مقابل زن ستیزی و قوم پرستان ناسیونالیست و فاشیست در مبارزه من برای ایجاد دنیایی بهتر است. جلسه شورای کلرها با اعلام گارد آزادی این نیروی مدرن و انسانی مسلح قدرت ما را در نفاع و درهم شکستن هر نوع مقاومت ضد انقلابی نوید و پیام امید بخش بزرگ و سترگی را به جامعه و مردم کردستان اعلام کرد. به ما بپیوندید، حزب خود حزب حکمتیست را انتخاب و تقویت کنید.

با برپایی ده ها مراسم روز جهانی زن که قدرت کمونیسم رادیکال جامعه را نمایندگی میکند، ده ها فستیوال کونکان و هزاران ابتکار انقلابی علیه اسلام سیاسی و مردسالاری و زن ستیزی در جامعه راه نمایش گذاشته ایم. قدرت ما در کردستان در رادیکالیسم و انقلابی بودنمان است. بخش اعظم و قابل دسترس و مورد اعتماد مردم کردستان در حزب حکمتیست متشکل هستیم. جلسه شورای کلرهای کمیته کردستان حزب حکمتیست بار دیگر در شرایط بحرانی کنونی امید و آرزوی قهرتمندی ما کمونیستها و چپ جامعه را با پیش کشیدن مصافهای اصلی ما در راه ایجاد مردم متشکل و مسلح، برای جلوگیری از هر نوع سناریوی سیاه و قوم پرستی و عراقیزه کردن را تعریف کرد. ما در جلسه شورای کلرها اعلام کرده ایم،

کمونیست جامعه کردستان از هر دوره ای بیشتر به موضوع اصلی و تعیین صف بندی سیاسی و حزبی با قهرتمندی در دستور فعالیت روزانه و بعنوان امری فوری قرار گرفته است. کردستان دروازه قدرت کمونیسم و چپ در ایران است. تاریخ و با وجود ده ها تجربه بزرگ و کوچک کمونیسم و چپ در کردستان ثابت کرده که میتوان روزنه های بزرگ و درجه های عظیم و پر قدرتی در میان مردم در میان کارگران، زنان و جوانان و مزدبگیران جامعه ایجاد کند. ما زنان پیشرو و کمونیست در کردستان، ما زنان انقلابی و کمونیست در سنج و تجارب انقلابی در ایجاد صف قدرتمند کمونیسم و چپ در جامعه هستیم. ده ها فعالیت متشکل و مسلحانه در مقابل جمهوری اسلامی تاندان مسلح، با برپایی اول مه های سنج، سقر و بوکان

جامعه ایران دستخوش تحولات سیاسی مهمی است. جامعه و مردم میرویم تا صف بندی های سیاسی را حول آلترناتیوها و احزاب سیاسی تعیین کنیم. مردم کردستان در موقعیت حساس و تعیین کننده ای قرار گرفته اند. صف احزاب و آلترناتیوهای سیاسی از هر دوره ای بیشتر در صحنه جامعه در میان مردم به امر ضروری و روز تبدیل شده است. احزاب بورژوازی با دارو دسته های فالانژ و سوپر ناسیونالیست و قوم پرست حول شعار فدرالیسم و قوم پرستی به صف شده اند. وجهه خود را تشکیل داده اند. جمهوری اسلامی با حاکمیت سیاه و خونین رژیم سرکوب و ارباب و مسلح در کردستان است. مردم کردستان ایران در شرایط بسیار تعیین کننده و در مسیر طی کردن تند پیچ تاریخی و سیاسی مهمی قرار گرفته اند. مصافهای اصلی چپ و

ما ضمانت می کنیم که اگر در کردستان قیام شود ما به قدرت می رسیم.

این را دشمنان ما فهمیده اند و به همین خاطر می شود دید که ناسیونالیستهای ترک و عرب از ناسیونالیست کرد حمایت می کنند و بند بستیهای پنهانی و علنی آنها را روزانه می شود مشاهده کرد! نیروهای که اگر سرکار بیابند برای بقای خود مجبور می شوند ملت های دیگر را دشمن بنامند و برای بقای حکومت خود تخم کینه و نفرت را در دل قوم های مختلف بکارند. به این دلیل ساده یک بار دیگر ضروری شده است که چپ کردستان ایران برای بقدرت رسیدن خود جناح چپ در کردستان یعنی کمیته کردستان حزب حکمتیست را یاری کند. راه دیگری نیست حزب حکمتیست تنها چپی که اکنون با بروی زمین دارد برای بقدرت رسیدن باید از دروازه قدرت و نقطه قوت خود در کردستان عبور کند و کردستان را پایگاهی کند که بتواند چپ در جامعه ایران را به حرکت در آورد.

abbas_rezaei@yahoo.com

کند. اما این امکان برای راست جامعه وجود ندارد. زیرا راست جامعه هر لباسی را که به تن قیام یا کودتای خود کند در هر جا که شروع شود همان جا خواهد ماند. دلایل ساده است فرض را بر این خواهیم گرفت یک نیروی ناسیونالیست کرد، آذری یا بلوچ در هر کدام از این مناطق دست به عصیان بزند و حتی قدرت را از دست قدرت مرکزی خارج کند. اما آیا می تواند افکار ناسیونالیستی خود را به دیگر مناطق ایران به قبولاند؟ جواب منفی است. اگر در کردستان شروع شود در میانولاب با ناسیونالیسم ترک روبه رو خواهد شد و در بقیه نقاط هم همینطور. اما اگر این قیام یک قیام غیر قومی و غیر مذهبی باشد قیامی که چپها رهبری آن را به دست داشته باشند دیگر به سرعت می تواند بر بقیه نقاط ایران تاثیر گذار باشد زیرا خواستها یکی است و قیام محرومان و طبقه کارگر مرز، دین و ملت نمی شناسد. و بنا به این دلایل شانس دروازه کردن کردستان برای قیام سراسری فقط در اختیار ما کمونیستها قرار دارد.

خواهند و می توانند پیکان گارد آزادی در تحولات آینده ایران باشند. موضوع جالبی که در این نشست بارها بر آن تاکید شد، نقشی است که کردستان می تواند در تحولات آتی در ایران داشته باشد. رهبران کمیته کردستان با قطعیت کامل اعلام کردند که اگر در کردستان قیام شود ما به قدرت می رسیم و کردستان را سکوی پرشی خواهیم کرد که کمونیسم را به داخل ایران برتاب کند. یقین می شود گفت که این کنفرانس در ادامه سخنرانی تاریخی کورش مدرسی (ننیا را بجنابانیم) در نوسال پیش بود. کردستان چه نقشی می تواند در تحولات آینده ایران بازی کند؟ اگر به تاریخ رجوع کنیم همیشه انقلابات و خیزشهای مردمی در نقطه جغرافیایی خاصی شروع شده است و همان هسته اولیه قیام کننده در اکثر مواقع توانسته است که هژمونی خود را به قیام سراسری تحمیل کند. این نشان می دهد که می شود یک قیام چپ را هم در گوشه ای از ایران سازمان داد و این قیام محرمان جامعه خیلی زود می تواند به تمام نقاط دیگر سرایت

عزم خود را جزم کرده بودند که منتظر تغییرات در صحنه سیاست ایران نشوند و خود کسانی باشند که دخیل و بوجود آورنده این تغییرات باشند. شرکت کلرهای سازمان جوانان حکمتیست در این نشست بی نظیر بود و این نشست ترکیبی بود از دو نشست. نسل اول، نسلی بود که سالها با جمهوری اسلامی جنگیده بود، نسلی که ناسیونالیسم را در یک دوران در آن منطقه شکست داده بود و با کوله باری از تجربه، آمده گی خود را برای یک بار دیگر دخالت مستقیم در صحنه سیاست کردستان و سراسر ایران در این نشست اعلام کرد. نسل دوم اما نسل متفاوتی بود، جوانانی که خاطرات تلخ شکست از ضد انقلاب اسلامی را نداشتند، جوانانی که در سالهای انقلاب ۵۷ یا متولد نشده بودند یا خرد سالهانی بیش نبودند. نسلی که در سالهای ۶۰ و ۶۷ هم نسلان شان را زندانی و اعدام نکرده بودند. نسلی که برای جمهوری اسلامی تره خورد نمی کند. جوانانی که در این کنفرانس نشان دادند که می



عباس رضایی

www.javanx.blogspot.com

دو روز پیش یعنی روزهای ۱۷ و ۱۸ سامبر در نشست چند صد نفره شورای کلرهای کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست شرکت داشتیم. نشستی پرشور که صدها کادر و رهبران مردمی در کردستان در آن شرکت داشتند. نشستی که در آن ده ها رهبر گارد آزادی، کسانی که در سالهای اخیر بارها قدرت نظامی خود را در شهر های کردستان به رخ جمهوری اسلامی کشیده بودند. همان رهبرانی که در این دوران وحشتناک سیاه حاکمیت دو گانه را به جمهوری اسلامی تحمیل کردند. در آن حضور داشتند. جمعی پرشور و انقلابی که

اطلاعیه پایانی نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

شنودی با شرکت تعدادی از اعضای رهبری حزب ترتیب داده شد. در این گفت و شنود همه شرکت کنندگان در این نشست سئوالات و نقطه نظرات خود را مطرح کردند و رفقای رهبری حزب به سوالات و بحثهای مطرح شده از زوایای مختلفی جواب دادند.

روز دوم ضمن ادامه بحثها و شرکت فعال حضار، نشست وارد دستور انتخابات کمیته کردستان شد و از میان کسانی که خود را برای عضویت در کمیته کردستان کاندید کرده بودند، ۴۷ نفر به عضویت در کمیته کردستان انتخاب شدند که اسامی آنها به قرار زیر است:

۱- مریم افراسیاب پور ۲- فاطمه اقدامی ۳- ابراهیم باتمانی ۴- رسول بنالوند ۵- پرشنگ بهرامی ۶- توفیق پیرخضری ۷- جمال پیرخضری ۸- خالد حاج محمدی ۹- رحمان حسین زاده ۱۰- مجید حسینی ۱۱- مهدی حسینی ۱۲- سهند حسین زاده ۱۳- محمد جعفری ۱۴- ثریا خضری ۱۵- عبدالله دارابی ۱۶- چیمین دارابی ۱۷- فرهاد رضایی ۱۸- محمد راستی ۱۹- سیوان رضایی ۲۰- سلام زیجی ۲۱- صالح سرداری ۲۲- عبدالله شریفی ۲۳- آوات شریفی ۲۴- هلاله طاهری ۲۵- ملکه عزتی ۲۶- علی عبدالی ۲۷- غفار غلام ویسی ۲۸- ایرج فرزاد ۲۹- محمد فتاحی ۳۰- رحمت فاتحی ۳۱- محمد فضلی ۳۲- حسن قلاری ۳۳- پدی کریمی ۳۴- همایون گدازگر ۳۵- رستم گوردزی ۳۶- پدی گلچینی ۳۷- حسین مرانبیگی ۳۸- گلویژ مصطفی پور ۳۹- محمد محمدی ۴۰- مختار محمدی ۴۱- پرستو مهاجر ۴۲- مظفر محمدی ۴۳- داریوش نیکام ۴۴- اسماعیل ویسی ۴۵- سوسن هجرت ۴۶- محمد یگانه ۴۷- سعید یگانه

نشست دوم شورای کادرها با پیمایی به مردم ایران و کردستان ایران کار خود را به پایان رساند که متن آن جداگانه به اطلاع عموم خواهد رسید.

کمیته کردستان اولین جلسه خود را تشکیل داد. در این جلسه انتخاب دبیر و معاون و خزانة دار کمیته کردستان به رای گذاشته شد که رفقا حمه سور، خالد حاج محمدی و پدی کریمی به اتفاق آراء حاضرین به ترتیب به عنوان دبیر و معاون و خزانة دار کمیته کردستان انتخاب شدند. همچنین در دستور دیگری عنرا امی (آباجی) و خانم صفری (سید زاده)، به احترام به سابقه مبارزاتی طولانی آنها در کنار ما بعنوان اعضاء افتخاری کمیته کردستان انتخاب شدند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

۲۹ آذر ۱۳۸۴ برابر با ۲۰ دسامبر ۲۰۰۵

تشکیلات کردستان حزب اولویتهای سال آینده تشکیلات کردستان را برشمرد و سپس به موقیت احزاب سیاسی در کردستان ایران و موقیت ناسیونالیسم کرد در منطقه اشاره کرد. در تکمیل این گزارش، خالد حاج محمدی معاون دبیر کمیته کردستان و مسئول تشکیلات حزب در شهرهای کردستان ایران جنبه های دیگر این گزارش را برشمرد

مرادبیگی این نشست را نشست گارد آزادی نام نهاد و به گسترش گارد آزادی بعنوان محوری ترین کار تشکیلات کردستان حزب در این دوره معین، انگشت گذاشت.

بدنبال آن رحمان حسین زاده معاون لیبر حزب در سخنرانی خود به تحولات مهم سیاسی سال گذشته و نقش حزب حکمتیست اشاره کرد. تصمیمات و اولویتهای سال آینده

روزهای ۲۶ و ۲۷ آذر ماه ۱۳۸۴ برابر با ۱۷ و ۱۸ دسامبر ۲۰۰۵ نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست با شرکت ۱۳۰ نفر از کادرهای تشکیلات کردستان حزب و مهمانان شرکت کننده برگزار شد. در این نشست رفقا رحمان



داریوش نیکام مسئول مالی و خزانة دار کمیته کردستان نیز گزارشی از درآمدها و هزینه های تشکیلات کردستان حزب در یکسال گذشته را به این نشست ارائه داد.

دستور بعدی گارد آزادی بود که توسط عبدالله دارابی فرماده گارد آزادی معرفی شد. عبدالله دارابی یک بار دیگر بر ضرورت سازماندهی گارد آزادی و نقشی که گارد آزادی در متن تحولات آتی در کردستان و ایران در تقابل با سناریوی سپاهی که جریانهای قومی و کنگسترهای نظامی و مذهبی در پروسه سرنوشتی جمهوری اسلامی در دست دارند، تاکید کرده و سپس همه حضار را به همکاری گارد آزادی دعوت کرد. بعد از آن اعضای شورا و مهمانان با شرکت فعال خود درکل بحثها و خصوصاً مبحث گارد آزادی شرکت کردند و با طرح سوالات و ملاحظاتی خود، از زوایای مختلف، مباحثات ارزنده و مهمی را طرح کردند. شبانه شب جلسه گفت و

حزب را تاکید کرد و به نقش ویژه تشکیلات کردستان حزب در تحولات ایران و جایگاه مهم گارد آزادی اشاره کرد.

سپس شمال علی سرپرست هیئت حزب کمونیست کارگری عراق سخنرانی کرد. وی به اوضاع منطقه و اوضاع سیاسی عراق اشاره کرده و بر نقش و جایگاه مهمی که حزب حکمتیست دارد و اهمیت گارد آزادی و سازماندان آن که در دستور حزب حکمتیست است تاکید کرد. سخنران دیگر این نشست فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی بود. فاتح شیخ در سخنرانی خود، "پرچم کمونیسم در کردستان امروز در دست حزب ما است" بر توانایی های ما در این مورد و انتظاری که جامعه از ما دارد اشاره کرد و گفت آینده کمونیسم در کردستان و ایران به پراتیک آگاهانه حزب حکمتیست گره خورده است.

در بخش دوم دستور جلسه، حسین مرادبیگی ضمن اشاره به فعالیت های یکسال گذشته تشکیلات کردستان، موقیت حزب و

حسین زاده معاون لیبر حزب، فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی، آثر مدرسی دبیر کمیته خارج کشور حزب و هیئتی از حزب کمونیست کارگری عراق شرکت داشتند. نشست با سرود انترناسیونال و بدنبال یک دقیقه سکوت به یاد جانبختگاه راه آزادی و سوسیالیسم و به یاد منصور حکمت عزیز کار خود را آغاز کرد. سپس آئین نامه و دستور جلسه نشست به تصویب حاضرین رسید.

در سخنرانی افتتاحیه، حسین مرادبیگی (حمه سور) دبیر کمیته کردستان حزب حکمتیست به شرکت کنندگان در این نشست خوشامد گفت و سپس در مورد اوضاع سیاسی ایران، موقیت جمهوری اسلامی و جنبش سرنوشتی بعد از دوم خرداد و ضرورت سرنوشتی جمهوری اسلامی صحبت کرد و در همین رابطه یک بار دیگر بر اهمیت و جایگاه حیاتی کردستان برای کمونیسم و چپ و انقلاب آتی ایران تاکید کرد. حسین

پیام

نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

مردم آزادیخواه!

اجتماع وسیع شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب حکمتیست در شرایطی برگزار شد که عزم و اراده ما و توده مردم برای خاتمه دادن به حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی بیش از هر زمانی محکم است. گام اول خاتمه دادن به فقر و فلاکت و استبداد بورژوازی و اسلامی در ایران و تحقق آزادی و برابری، سرنگونی جمهوری اسلامی است. این رژیم باید برود. این حکم را مردم ایران منتها است داده اند. این کار باید هر چه فوری تر و سریعتر به انجام برسد.

در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی وجود داروسته های اسلامی و تحرک دستجات قوم پرست با شعار فدرالیسم، بطور جدی مدنیت جامعه و آزادی و

امنیت مردم را تهدید میکنند. ما و مردم سرنگونی طلب نه تنها موظفیم که بساط جمهوری اسلامی را برچینیم بلکه همچنین موظفیم که نگذاریم مدنیت جامعه در روند سرنگونی رژیم از هم بپاشد. ما بخصوص نخواهیم گذاشت کردستان به جولانگاه نیروهای قوم پرست و میدان تفرقه و دشمنی و پاکسازی قومی تبدیل شود. گارد آزادی ابزار دفاع از امنیت و آزادی و زندگی مردم و حفظ مدنیت جامعه در مقابل نیروهای قوم پرست و گانگسترهای اسلامی و سناریوی سیاهی است. نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان با تمام توان از سازماندهی و گسترش گارد آزادی پشتیبانی میکند و مردم آزادیخواه را فرامیخواند که واحدهای آن را در شهرها، محلات و روستاها، در محیط زیست خود، ایجاد کنند.

مردم آزادیخواه، کارگران، زنان، جوانان!

شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب حکمتیست، متشکل از طیف وسیعی از رهبران و کادرهای سه دهه مبارزه انقلابی علیه ستم و سرمایه و جمهوری اسلامی، متشکل از نسل جوان فعالین کمونیست و متشکل از سازماندهندگان مبارزات توده ای و نظامی بزرگ جزو لاینفک هدایت مبارزه انقلابی برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و بخش در هم تنیده جنبش اجتماعی برای تحقق آزادی و برابری است. کردستان دروازه قدرت کمونیسم و چپ در ایران است. ما تعهد میکنیم که کردستان را به سنگر کمونیسم و انقلاب آتی در ایران تبدیل کنیم. به ما بپیوندید، حزب خود، حزب حکمتیست را تقویت کنید. گارد آزادی را تقویت و حمایت کنید. واحدهای گارد آزادی را تشکیل دهید.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
زنده باد گارد آزادی

نشست دوم شورای کادرهای
تشکیلات کردستان حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

آذر ماه ۱۳۸۴ - (دسامبر ۲۰۰۵)

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید!
به گارد آزادی به پیوندید!

مردم آزادیخواه، جوانان کردستان!

به گارد آزادی به پیوندید. گارد آزادی نیروی متشکل و مسلح شما برای دفاع از خود در مقابل همه نیروهای ارتجاعی است. گارد آزادی، نیروی دفاع از انسانیت، نیروی دفاع از آزادی انسانها، نیروی دفاع از برابری زن و مرد، نیروی دفاع از حق کودک، نیروی دفاع از آزادی کامل و بی قید و شرط بیان، نیروی دفاع از آزادی کامل تشکل و اجتماع، نیروی دفاع از دست آورد های فکری و فرهنگی بشریت در مقابل فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده، نیروی دفاع از حق شاد بودن و شاد زیستن انسانها است. گارد آزادی نیروی دفاع در مقابل هر کس و جریانی است که بخواهد بزور خود را به زندگی مردم تحمیل کند.

مردم انقلابی در کردستان، جوانان انقلابی و آزادیخواه!

هر جا که هستید، در هر محله و در هر شهر و روستا دور هم جمع شوید و گارد آزادی را تشکیل دهید.

۱- هر دو تا شش نفر که همدیگر را میشناسید و به هم اعتماد دارید مخفیانه یک گروه گارد آزادی تشکیل دهید.

۲- برای گروه خود یک نام انتخاب کنید.

۳- با ما تماس بگیرید. از طریق دوستان، آشنایان یا اقوام خود در عراق یا خارج کشور و یا هر شیوه مطمئن دیگری خود را به کمیته سازماندهی و فرماندهی گارد آزادی در کردستان متصل کنید.

۴- از هر طریق که میتوانید خود را مسلح کنید.

۵- عوامل و امکان علنی و مخفی نظامی، انتظامی و جاسوسی رژیم را شناسایی کنید.

۶- تلاش کنید فضای محل تان را بر فعالیت عوامل جمهوری اسلامی تنگ کنید. امکان فعالیت کمونیستی و آزادی خواهانه در محل را گسترش دهید.

۷- در محله خود، نفوذ، اعتبار و محبوبیت کسب کنید. حافظ اصلی واحد های گارد آزادی نفوذ و محبوبیت آنها در میان مردم است.

۸- تلاش کنید که در محل تان فرهنگ پیشرو حاکم باشد و بخصوص علیه فتنار و ستم بر زنان و تعرض به حقوق کودک و آزادی اندیشه و بیان مقاومت شکل بگیرد.

۹- فضای محله را نسبت به تبلیغات قوم پرستانه نگاه و حساس کنید و این نیرو هائی که بر قوم پرستی و عقب ماندگی سرمایه گذاری میکنند را ایزوله کنید.

۱۰- مطلقاً بدون اجازه ما اقدام به عملیات یا

نمایش نظامی نکنید.

مردم!

جمهوری اسلامی رفتنی است. اما خودش نمیرود باید دستش را از زندگی مردم کوتاه کرد. بعلاوه همه نیروهای مذهبی و قوم پرست، که تنها با به خاک سیاه نشاندن مردم میتوانند خود را به قدرت و ثروت برسانند، دست اندر کارند تا بر سرمایه گذاری بر نفرت قومی و مذهبی بر ویرانه های جامعه با زیر پا گذاشتن حرمت، آزادی و امنیت مردم و بر گرده کارگر و زحمتکش و مردم انقلابی کاخ قدرت خود را بسازند. به کردستان عراق نگاه کنید، به بغداد و فلوچه و رواندا و یوگسلاوی نگاه کنید. این آینده ای است که این نیروها در تدارک آن هستند. کارگر و زحمتکش و مردم انقلابی و آزادیخواه باید بتوانند مانع تبدیل سرنگونی جمهوری اسلامی به سیه روزی عمومی شوند.

برای ما کارگر و زحمتکش، برای ما مردم انقلابی سرنگونی جمهوری اسلامی باید با تضمین آزادی و برابری همه انسانها همراه باشد. مردم باید بتوانند از دانه و آگاهانه و در یک محیط امن در باره نظام آینده حکومتی تصمیم بگیرند.

جمهوری اسلامی را باید به نیروی اعتراض

و قیام مردم و به زیر پرچم آزادی و برابری انسانها انداخت. باید کردستان را به سنگر انقلاب ایران تبدیل کرد. باید همه مردم ایران، بجای صدای عقب ماندگی و قوم پرستی، صدای انقلاب برای آزادی و برابری انسان در ایران را از کردستان بشنوند.

برای تضمین این آینده، برای تامین و تضمین زندگی خود و فرزندانمان نمیتوانیم و نباید منظر بمانیم که دستی از آسمان و یا از آستین این یا آن گروه و فرقه مذهبی و قومی و یا کشور دیگری در آید و ما را نجات دهد. ما خود باید نجات دهنده خود و تعیین کننده زندگی خود، خانواده و جامعه باشیم. باید مشکل شد باید زمام زندگی خود را بدست گرفت.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
از طرف کمیته سازماندهی و فرماندهی گارد آزادی در کردستان
عبدالله دارابی

۱۳ آذر ۱۳۸۴ - ۴ دسامبر ۲۰۰۵

